

با تعمیق انقلاب و ایجاد آرامش میتوان و باید توطئه‌های امریکا را عقیم کرد

نامه
مردم
انگاز مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۲۷۲
یکشنبه ۹ فروردین ۱۳۶۰، مطابق با
۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۱ - شماره ۱۵۰ روال

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران

**در راه پیمایی سالگرد
جمهوری اسلامی ایران
زیر شعار وحدت
ضد امپریالیستی
شرکت کنیم**

روز ۱۴ فروردین ۱۳۶۰ دوسال از تشکیل جمهوری اسلامی ایران، نمره انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران برپایی امام خمینی می‌گذرد. در این روز مردم ایران و همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلک و مذهبی، سالگرد تشکیل جمهوری اسلامی ایران را زیر شعار وحدت در مبارزه بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان داخلی و خارجی بمرکز گردی امپریالیسم آمریکا جشن می‌گیرند.

حزب توده ایران که پیروزی از مشر اصولی و انقلابی خود فعالیت در فراتر از برای تأیید جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و طی دوسال گذشته دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را وظیفه مقسم خود اعلام نمود و در این راه، همراه با خلق انقلابی، از فعالیت‌های سازماندهی گروهی از بهترین فرزندان خود، درخ توریزه، از همه اعضاء و هواداران و دوستان حزب دعوت می‌کند که بشرکت وسیع و فعال خود در راه پیمایی روز ۱۴ فروردین ۱۳۶۰، وارد گردیدند خود را برای وحدت در مبارزه بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تجدید کنند.

دبیر خانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۳۰۰۱۵۸

در روز ۶ فروردین: یکی از ارتفاعات جبهه‌های غرب به تصرف رزمندگان انقلاب درآمد

رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی ضربات دیگری بر آنان وارد آوردند.

سک مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه مورخ ۶ فروردین ماه خود، گوشه‌ای از تالیق این نبردها را اعلام کرده است. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است که رزمندگان انقلاب با اجرای آتش بر مواضع دشمن در جبهه آبادان، یک انبار مهمات سنگر گرومی دشمن منهدم شد و در میوان مواضع دشمن در فینچین، و یادگان دخرمان، عراق درهم کوبیده شد. رزمندگان انقلاب در عملیات روز ۶ فروردین خود همچنین یکی از ارتفاعات منطقه پس کشور را از دشمن منهدم کردند و آنها را وادار به عقب‌نشینی کردند. همچنین در روزهای ۵ و ۶ فروردین ۲ تن از سربازان و ۲ تن از افراد غیر مسلح عراق به ایران پناهنده شدند.

اینکه آمریکا تصمیم دارد که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را درهم بشکند و همنافع حیاتی خود را بازنهس گیرد، امری است برای همگان معلوم. ولی اینکه شیوه‌های عمل امریکایی‌ها در این مقصود کدامند، هنوز گویی برای همگان چنانکه شاید و باید روشن نیست و نیاز به توضیح بیشتری دارد.

امریکا برای درهم‌شکنن انقلاب ایران، بطور کلی بر روی دو خطه حرکت میکند: یکی خطه مسخ انقلاب، یعنی تغییر سمت ضد امپریالیستی و مردمی آن، از راه بروری کار آوردن دولتی که آماده سازش با امریکاییانند، بنام دولتی «معتدل و میانه‌رو» که خود پلی و مرحله گذاری خواهد بود، برای استقرار مجدد رژیم از نوع «آریامهری» برای استقرار مجدد سلطه کامل و خشن خونین.

و یکی خطه درهم‌شکنن ضرتی انقلاب ایران، یا از راه کودتای نظامی و یا تهابم تغییر مستقیم نظامی و تشکیل دولت «ایران آزاده» در بخشی از خاک ایران و یا از فروختن آتش جنگ داخلی و دخالت مستقیم نظامی، بصورت کمک به دولت «ایران آزاده» و یا به جبهه امریکایی در جنگ داخلی.

این دو خطه، محتاج تضعیف حاکمیت انقلابی در ایران است و این تضعیف بوسیله ایجاد تشنج میسر است. همچنین دلیل امریکا همواره یا ایجاد و دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی (بین تشیع و سنی)، عقیدتی و ایجاد بلواها و درگیری‌ها می‌درا ایجاد تشنج در ایران کرده و میکند. امریکا بر روی هر دو خطه تاکنون همه نوع تجربه بعمل

افتخار توده‌ای‌ها

حزب توده ایران، آماج هجوم از جوانان گوناگون است. امپریالیسم، بسرگردی امریکا، دشمنان داخلی انقلاب، سرمایه‌داران لیبرال و زمین‌داران بزرگ همراه آنان، در نیمه‌راه مانعها، همه به حزب توده ایران می‌تازند که گویا در همسایه فرخنده کرده، ایدئولوژی خود را «دلقه نموده» و روح شیطانیه خود را در کالبد جمعی از مسلمانان دمیده است و گویا در باره سرخوشن انقلاب و آینده آن دو موضع، دو پیش و دو خط وجود ندارد.

از سوی دیگری برخی از مسلمانان راستین بر خط امام خمینی که از مواضع انقلابی خود در برابر سازشکاران و تسلیم‌طلبان دفاع میکنند، به بعضی آنکه چنان درخنده توده‌ای‌ها و خود قلم و زبان خویش را در راه دشمن به حزب توده ایران بکار می‌اندازند، تا خیال خود از خویش رقیق‌اتمام و ایام کنند. این گروه از مسلمانان انقلابی متأسفانه فاقد جسارت انقلابی و شهادت‌مندی لازم هستند، تا از علل تشابه مواضع سیاسی خود با توده‌ای‌ها بیزره دفاع کنند، بر آنکه کلوخی و بار سنگینی بسوی توده‌ای‌ها برتاب نمایند.

تشابه مواضع سیاسی حزب توده ایران با مواضع مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی از کجا ناشی است و چه چیز موجب این همراهی شده است؟ انقلاب ایران انقلابی ضد امپریالیستی و مردمی است، باین معنا که بزرگترین دشمن این انقلاب، امپریالیسم، بسرگردی امریکاست، که درهم کوبیدن آن باید شمارم مرکزی مبارزات خلق قرار گیرد. همانطور که امام خمینی گفته‌اند:

دفاع قلمبا و سلاحی خود را بسوی امریکا نشانه رویه.

حزب توده ایران که از آغاز، عمده‌ترین شمار خود را مبارزه علیه امپریالیسم، بسرگردی امریکا قرار داده و نخستین سازمان سیاسی است که حتی در سالهای بیست، خطر امریکایی جهانفوار را برای استقلال ایران گوشزد نموده و از آن زمان تاکنون، بر لفظهای وقتیه برای براندازی نفوذ این جهانفوار قرن مبارزه کرده و تحمل مصائب بسیار نموده است، طبعی است که با هدف ضد امپریالیستی انقلاب، از صمیم قلب موافق باشند و بیگیرانه و صادقانه در این راه بکوشند. به تبع این موضوگیری اساسی است که حزب توده ایران، هر خطی را که می‌تواند توجه مردم را از دشمن اصلی منحرف سازد، افشا کرده و از چهره آنان، که جهت ضد امپریالیستی انقلاب را قبول ندارند و برای تضعیف مبارزان این جبهه به محرمه اتهام علیه ضد امپریالیست‌های غیر توده‌ای توسل میشوند، پرده بر گرفته است.

ما افتخار میکنیم که از زمره نخستین مبارزان ضد امپریالیست بوده‌ایم و در این سنگر، از استقلال کشور خود با بیگیری و سرسختی و بدون انطلاق و

در صفحات بعد

سپاه واکنش سریع نیروی ضرتی امپریالیسم امریکا بر ضد استقلال، آزادی و امنیت خلق‌ها

منه ۲

باید از خروج بی‌رویه ارزش تحصیلی جدا جلوگیری کرد

منه ۶

نمایندگان گنهای باتکهای کشورهای امپریالیستی در ایران چه میکنند؟

منه ۶

بلغارستان سوسیالیستی با گامهای استوار به پیش می‌رود

منه ۸

درباره دوران بسیار دشوار انتقال

منه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

انتقاد داریم تا انتقاد

هاتپور که مذاکره داریم تا مذاکره داریم بدون انقلاب و مذاکره داریم زیران انقلاب، هاتپور که سازش داریم تا سازش (سازش اصولی داریم و سازش تسلیم طلبانه، سازش بسود انقلابی داریم و سازش زیران انقلاب)، هاتپور که جنگ داریم تا جنگ (جنگ عادلانه داریم و جنگ ظالمانه، جنگ دفاعی داریم و جنگ تجاوزی، جنگ رهائی بخش داریم و جنگ امپریالیستی) هاتپور هم انتقاد داریم تا انتقاد انتقادی داریم سازش و انقلابی، و انتقادی داریم مغرب و ضدانقلابی.

راه علاج آنرا پیشنهاد میکند هفتی بر طرف کردن کمبود و میب و نقص، پیچ نیرو برای رفع مشکل است و نه مشکلی بر مشکلات افزودن.

کشور ما در شرایط دشوار گذار انقلابی بسر میرد، ماه یکته امام خمینی، وارث یک کشور منزله زده ایم، که رژیم سفاک استعمار دین، دست نشانده غارتگر، فاسد و فساد پرور پهلوی بجای گذارده است. قرون بر این، ما در معرض انواع عوالمهای سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و نظامی امپریالیسم بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، هستیم، که تمام امکانات خود را بکار گرفته تا انقلاب استقلال طلبانه مردمی ما را دچار شکست کند و ایران- این بهشت گمشده خود را - بازستاند و در آن مجدداً حکومت دست نشانده خون آشامی بکاربرد و دوباره در آن سفره تاراجگری بر چند مرز خود را بگستراند، ما اکنون در گیر یک جنگ تحلیلی از سوی دارو دستمخام بیکبار تحریک آمریکای چنانیکار هستیم، که خود دشواریهای بزرگی بر دشواریهای بزرگ بازمانده از دوران طاغوت و دشواریهای طبیعی دوران گذار، افزوده است. ما هنوز در داخل کشور با مقاومت سرسخت ضد انقلاب سازمان یافته، بزرگ سرمایه داران وابسته و بزرگ زمینداران و مستقرین و قاجاقچیان روزبرو هستیم. هنوز سرمایه داری لیبرال ایران امیدوار است بتواند دوباره دولت را تصرف کند، از تمیق انقلاب جلوگیری کند، راه سازش تسلیم طلبانه را با امپریالیسم هموار سازد، آمریکا را مجدداً از بنهره ایران بازگرداند. خلاصه هنوز کوهی از مشکلات در برابر انقلاب قرار گرفته است، که باید با خونسردی، ولی با قاطعیت انقلابی، بر آنها غلبه کرد و، یکی یکی، بر طرف نمود. انتقاد مفید و ضرور است، بشرط اینکه چنین هفتی را مقیم کند، انتقادی رهنا و سازنده باشد.

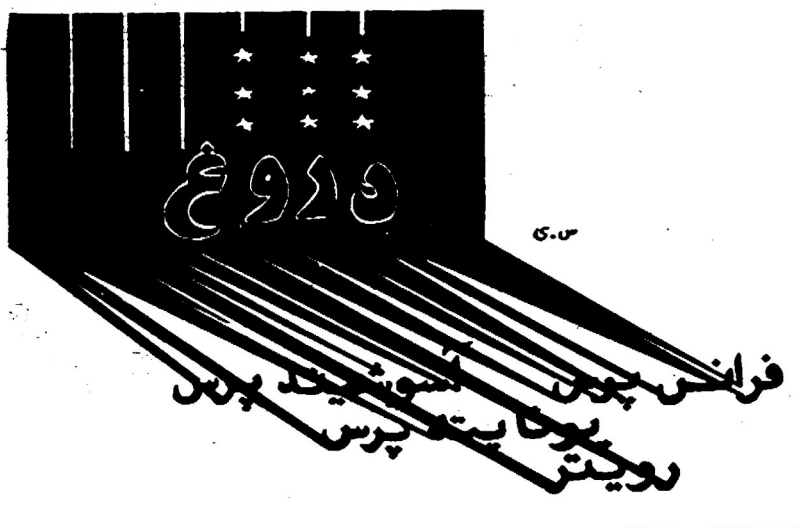
این انتقاد تحریکی و ضدانقلابی است. ضدانقلاب هم اکنون از گران انتقادی تحریکی و ضد انقلابی میکند. سرمایه داری وابسته تجاری - که خود باعث گران و رشد آنست، خود از آن، یا انتقاد تحریکی، استفاده تبلیغاتی علیه انقلاب میکند. اما انتقاد سازنده میگوید: گران هست، این گران رشد میابد، باید از آن جلو گرفته سبب گران و رشد آن، پناه سرمایه داری وابسته تجاری، شبکه دلالان، واسطه ها، محترکان و قاجاقچیان است. این گرانسی حاصل انقلاب نیست. برای مهار کردن گران و عقب راندن آن و ایجاد ارزانی، باید بازرگانی خارجی در انحصار دولت درآید و با تشکیل شبکه ای از فروشگام های دولتی و تعاونی، توزیع کالا چنان انجام گیرد که دست واسطه ها، دلالان، قاجاقچیان قطع گردد. بیامارت دیگری، انتقاد سازنده و انقلابی از گران، همراه با ارائه علل واقعی گران، طرق بر کردن ریشه آن، پیشنهاد بر طرف کردن آنست.

با انتقادات سازنده و انقلابی و با پذیرش انتقادات سازنده و انقلابی، انقلاب دشواریهای کثونی را بر طرف خواهد کرد، دوران گذار را بیرون زندانه طی خواهد کرد و کشور ما گام در راه رشد خواهد گذارد. ولی در مراحل رشد نیز انقلاب با دشواریها روبرو خواهد بود، که حتی میتواند ناشی از مراحل رشد باشند. رشد و تکامل همیشه همراه با دشواریهایی است که پیش می آید. حتی در نظامهای اجتماعی که ریشه استعمار کننده شده، حتی در کشورهای سوسیالیستی، دشواریها و ناراحتیهای درجریان تکامل بروز میکنند، که رفع میشوند و یکی از وسائل مؤثر رفع آنها، انتقاد سازنده و انتقاد پذیر است، که همواره تسویق میشود.

اکنون در کشور ما، یکی از مرصه های نبرد، که ظاهراً و گاه واقعا نبرد بین عنصر اجتماعی آگاه با عنصر اجتماعی نا آگاه و در آخرین تحلیل، نبرد بین انقلاب و ضد انقلاب است، عرصه نبرد بین انتقاد اصلاحی، سازنده، دلسوزانه و انقلابی، و هوچیگری، انتقاد مخرب و ضد انقلابی است. این عرصه نبرد، دشواری است که باید در آن بیروز شد، باید بتدریج فرق اساسی و ماهوی موجود بین انتقاد سازنده و انتقاد مخرب را به توده های مردم نشان داد و همگان را تسویق به انتقاد سازنده و انتقاد پذیر کرد و همگان را برای خشی کردن انتقادات مخرب و ضد انقلابی، خشی کردن تبلیغات ضد انقلابی، هتیار کرد و وسیع نمود.

انتقاد اگر نه قسط بصورت بیان کمبودها، مشکلات و معایب بکار رود، بلکه ریشه و علل پیدایش ناراحتیها و نیز رافع آنها را نشان دهد، انتقاد سازنده است. چنین انتقادی نه تنها مفید، بلکه لازم است. این انتقاد همراه با انتقاد پذیر و وسیله اصلاح و پیشرفت و تکامل و هر نظام اجتماعی، در هر جامعه انسانی، در هر عصر زندگی، در هر سازمان و نهاد و حزب و انجمن و جمعیت و نیز هر فرد در هر مقام است. آنجا که انتقاد سازنده و انتقاد پذیری نباشد، آنجا که از انتقاد سازنده جلوگیری شود و انتقاد پذیری عیب و عار باشد، زمینه رکود، پوسیدگی و انحطاط فراهم میشود. در جامعه محروم از انتقاد سازنده زمینه برای نشو و نما، استعدادهای بروز و شکوفایی ابتکارهای خلاق و نامشخص نیست. در آن اندیشه ها می خشکند، اراده ها مست می شود، انفعال و بی تفاوتی حاکم بر جانها میشود. انتقاد سازنده جزئی ارزنده و ضرور از آزادیهای اجتماعی است، که بدون آنها، جامعه را که و بی رونق میشود، بنیه پویایی و پایداری خود را از دست میدهد، در راه انحطاط و زوال به قهراً میرود.

ماهر انتقادی، انتقادی اصلاحی و سازنده نیست. انتقادی نیز داریم مخرب، انتقادی که بر روی نقایص و معایب انگشت تأکید میکند، آنها را بزرگی از آنچه هست، جلوه میدهند، ولی نه سبب پیدایش و نه راه رفع آنها را نشان میدهد. این انتقادی است که هر مشکلی را بنیست قلمداد میکند، هر نفعی را بیماری درمان ناپذیر میدانند و بدین وسیله تخم یاس میاشند، اراده ها را مست میکنند، ابتکارها را می خشکانند. اینگونه انتقاد برادر خوانده استبداد است و مانند استبداد بنیه رشد و تکامل جامعه را ضعیف میکند، از نیروی ابتکار و سازندگی جامعه میکاهد، جامعه را بسوی رکود و انحطاط سوق میدهند. اینگونه انتقاد تحریکی و ضد انقلابی است. انتقاد سازنده و انقلابی، برخلاف انتقاد مخرب و ضد انقلابی، شرایط زمانی و مکانی طرح هر کمبود و مشکلی را در نظر میگیرد، آنرا ریشه یابی میکند



«سپاه موقت (سازمان) ملل متحد در لبنان» (دیونی فیل) و «ابشناسیم»

سپاه موقت (سازمان) ملل متحد در لبنان (یونی فیل)، پس از آغاز تهاجمات نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان، بر پایه قطعنامه شماره ۴۸۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، تشکیل شد.

وظایف این سپاه عبارت بوده است از نظارت بر عقب نشینی کامل تجاوزگران اسرائیلی از خاک لبنان، پشتیبانی از برقراری حاکمیت قانونی دولت لبنان بر جنوب این کشور و تأمین صلح و امنیت در منطقه های مرزی. این سپاه اکنون ۶۰۰۰ نفر و سرباز را از کشورهای فیلیپین، فرانسه، غنا، ایرلند، ایتالیا، نپال، هلند، نیجریه، نروژ، سنگال و سوئد دربر میگیرد.

سپاه موقت (سازمان) ملل متحد در لبنان، که تنها به سلاحهای سبک دفاعی مجهز است، از آغاز کار خود با شرایط دشوار دستگیر شده است. فرمانروایان تل آویو درخواست عقب نشینی نیروهای اشغالگر اسرائیلی را از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد، با استنکار رژیم سرسپرد، جدایی طلبان، بسرکردگی سعد حلواتی در منطقه های مرزی پاسخ گفتند و از اینراه ادامه حضور نظامی و نظارت خود را در این بخش لبنان تأمین کردند. نیروهای اسرائیلی، بیاری میلیونها راسگرا تهاجمات تروریستی خود را در جنوب لبنان ادامه میدهند و چه بسا که در نیروهای مسلح بین المللی نیز مامی برای دستیابی به این جنایات نمرینند.

افتخار توده های ما...

پایه از صفحه ۱

خواهت بود. اینکه ضد انقلاب، عامل سرمایه داری لیبرال و مائوئیستهای آمریکائی هر کسی را که پیگیرانه بر ضد امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا بیکار میکنند، پیگیرانه خواهند تمیق انقلابی ضد امپریالیسم و مردمی به رهبری امام خمینی است، پیگیرانه یا ضد انقلاب، عامل بورژوازی لیبرال و مائوئیستهای آمریکائی مبارزه میکنند، توده های میخوانند، تا بدین وسیله به ارتعاب و شاتاز دست بزنند و از سوی دیگر نشانه آنست که توده های ما به آرمان خود، به خلق خود، به اهداف انقلاب ضد امپریالیسم و مردمی ایران وفادارند، ما به این وفاداری خود متکبریم و در آینده نیز وفاداری خود را در عمل ثابت خواهیم کرد.

اما این سفسطه بزرگ که هر کسی بر ضد امپریالیسم و بر ضد امپریالیسم مبارزه کرد، هر کسی که در برابر ضد انقلاب، ایادی آشکار و نهان بورژوازی لیبرال و مائوئیستهای آمریکائی ایستاد، هر کسی که برای کارگر و کم و برای دهقان زمین خواست، هر کسی که خواهان درهم کردن موانع سرمایه داران بزرگ غارتگر و قزولاهای مستکرم بود، هر کسی که عدالت اجتماعی را طلب کرد و در آن راه کوشید و خلاصه هر کسی که برای قنیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد

پشتیبانی محافل اجتماعی جهان از ابتکارات صلح اتحاد شوروی

رهبران احزاب سوسیالیست و دمکرات نروژ، دانمارک، جمهوری فدرال آلمان، انگلستان، هلند و بلژیک در گردهمایی که در اسلواویا بخت نروژ برگزار گردید، ضمن بررس و پیشنهاد های جدید دولت اتحاد شوروی درباره تمیق روند تنش زدایی و مهار کردن سابقه تسلیماتی، که در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردید، موافقت خود را با پیشنهاد مربوط به محدود کردن تسلیحات هسته ای

کمک مالی به حزب سوده ایران و تک و طمعه انقلابی است!

قرا از شیراز ۱۰۰۰ ریال
 قزوین و شیراز ۱۰۰۰ ریال
 دوستی از شهر کرد (تک و طموش در شیراز) ۵۰۰ ریال
 سعید بی هوشی از شستر به حزب پدش ۲۰۰۰ ریال

علاقندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام کمی کمیتش و شماره حساب ۳۳۳۲ شماره ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیرازند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

امپریالیستی و مردمی بیکار کرد، توده های استه تنها و تنها یک سفسطه ضد انقلابی است. این سفسطه بزرگ، ساخت کارخانه های دروغ باقی امپریالیسم، ضد انقلاب، وابستگان به زمینداران بزرگ و سرمایه داران لیبرال و مائوئیستهای آمریکائی است، تا با سوء استفاده از زهر تبلیغات ضد توده های دهها ساله امپریالیسم و رژیم دست نشانده آریاموری - که متاسفانه در اقتاری از مردم و از جمله در میان مسلمانان انقلابی رسوخ کرده - به هفت شوم خود برسند. هدف ایستد، یا مسلمانان انقلابی به این شاتاز تسلیم خواهند شد، یعنی از مبارزه برای پیشبر راه های انقلاب دست بر خواهند داشت، که منظور اصلی حاصل است. یا مسلمانان انقلابی تحت تأثیر این شاتاز، در این مبارزه نست خواهند شد، که باز نمی از منظور حاصل است و شاتاز کنندگان بر شاتاز خود خواهند افزود تا تمام منظور حاصل شود. و یا مسلمانان انقلابی برای اثبات اینکه توده های نیستند و تحت تأثیر توده های قرار نگرفته اند، در برابر توده های قرار خواهند گرفت، که باز هم از جانب دیگر منظور حاصل است، یعنی بین نیروهای انقلابی، تفرقه و نفاق و جدائی و خصومت ایجاد خواهد شد و جبهه متحد خلق، که ضامن پیروزی قلمی و نهائی انقلاب است، تشکیل نخواهد شد و بدینسان توده، شیطانی است و بر مسلمانان انقلابی است که در دام چنین توطئه ای نیفتند.

در اروپا اعلام داشتند. وهف تیگس رهبر حزب کارگر نروژ، طی یک مصاحبه مطبوعاتی، در این باره گفت: «شرکت کنندگان در گردهم آیی اسلو معتقدند که پیشنهاد های صلح جوانه اتحاد شوروی پیشنهاد های واقعی و جانی هستند که باید مورد بررسی دقیق قرار گیرند».

سپاه واکنش سریع

نیروی ضربتی امپریالیسم آمریکا

برضد استقلال، آزادی و امنیت خلقها

جمعی کاتر، رئیس جمهوری سابق آمریکا، در اوایل زمستان ۱۳۵۸، دریکی از سخنرانی‌های خود در "کاخ سفید"، نقشه تشکیل "سپاه واکنش سریع" (Rapid Deployment Force) را اعلام کرد. کاتر در این سخنرانی آشکارا ساخت که از این راه سیاست مداخله گزانه و شانزاد دولت وی برای پیشبرد منافع تیمکارانه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا تقویت خواهد شد. چند هفته بعد، دولت آمریکا در چارچوب باصطلاح "دکترین کاتر"، آمادگی خود را برای مداخله نظامی در منطقه خلیج فارس اعلام کرد. بدین سان، منطقه خلیج فارس به مهم‌ترین کانون عمل سپاه واکنش سریع بدل گردید.

اعتراف «اینترنشنال هرالد تریبیون»: «خطر شوروی» مهوم است

«اینترنشنال هرالد تریبیون»، یکی از ارگان‌های بورژوازی بزرگ ایالات متحده آمریکا، در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۹ (۱۴ اوت ۱۹۸۰) نوشت: "هفت ماه پس از تعهد پرزیدنت کاتر، مبنی بر دفاع ایالات متحده آمریکا از منطقه نفت خیز خلیج، تسلیح نظامی بیش از آنچه که تصور می‌رفت، ادامه یافته است. هدف از این امر آنست که از این منطقه حساس در برابر خطر واقعی و یا مهوم اتحاد شوروی حفاظت شود." (تاکید از نامه "مردم").

چنانکه می‌بینیم، حتی نویسنده مقاله «اینترنشنال هرالد تریبیون» خود را مجبور دید ماست که در باره لاطلاعات تبلیغات امپریالیستی پیرامون باصطلاح "خطر شوروی" تردید کند. علت آن است که این تبلیغات بهبود می‌کوشد تا مقاصد واقعی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا را در "منطقه نفت خیز خلیج" بیوشاند. بهر حال، این «اینترنشنال هرالد تریبیون» را می‌توان تأیید کرد که ایالات متحده آمریکا به سرعت شرایط مداخله نیروی‌های تجاوزگر خود را در بخش‌های گوناگون جهان تدارک می‌بخشد و اقدامات مداخله‌جویانه و تجاوزکارانه دولت آمریکا از یک سال پیش به اینطرف نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا در همسایگی، چه در خلیج فارس و اقیانوس هند و چه در آمریکای مرکزی و کارائیب، به جنگ افروزی خطرناکی دست بازیده است.

جنگ افروزی خطرناک

دیزیر نخست به برخی از این اقدامات، تا تاریخ انتشار مقاله نامبرده، اشاره می‌کنیم: نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا ناوگان دایمی، مرکب از ۳-۲۵ کشتی و مسلح به جنگ افزارهای هسته‌ای، در منطقه اقیانوس هند مستقر

ساخته بود. این ناوگان، از جمله، دو هواپیما بر وزن ناوهای موشک انداز را در برمی‌گرفت. از سوی دیگر، ناو گروهبی از نیروهای دریایی - زمینی، متشکل از پنج کشتی و ۱۸۰۰ نفر، در اقیانوس هند استقرار یافت. این ناو گروه، به تناوب، از سوی بگان‌های آمریکایی در مدیترانه و اقیانوس آرام تقویت می‌شد. شماره بگان‌های دریایی مستقر در خلیج فارس از دو به پنج افزایش یافت. در حدود هشت ماه پیش، هفت کشتی بازبری نظامی ایالات متحده وارد پایگاه دریایی و هوایی آمریکا - بریتانیا در دیکوگارسا شد. این کشتی‌ها، از جمله، نیازمندی‌های ۱۲ هزار تنگنادر و چند اسکادران نیروی هوایی را با خود حمل می‌کردند. به گزارش مطبوعات غرب، در دیکوگارسا، برای ۶ هزار سرباز دیگر، جنگ افزار موجود بود.

چنگکدها و هواپیماهای جاسوسی "آواکس" آمریکا پروازهای راز مصر و عربستان سعودی آغاز کردند. رسانف‌های گروهی غرب هدف از این پروازها را "تجزیه و تحلیل در منطقه" خواندند. فزون بر این ۱۵۰ جنگنده فانتوم "اف-۴" در مصر استقرار یافت. میان ایالات متحده آمریکا از یکسو و برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس از سوی دیگر، مانند کنیا، عمان و سومالی، قراردادهایی برای استقرار تجهیزات مورد نیاز "سپاه واکنش سریع" امضا شد. برای نمونه، در کنیا، "پنتاگون" به موسازی بندر "موهاسا" و تجهیزات نظامی واقع در "تان یوکی" و "امبارکازی" خواهد پرداخت. برای پیشبرد این مقصود ۱۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده است.

دولت آمریکا، برای استفاده از "سپاه واکنش سریع" در کارائیب و آمریکای مرکزی، به ایجاد ستاد نظامی ویژه دست زد. ایالات متحده آمریکا، به بهانه آنکه مجبور شده است هزینه‌های نظامی بیشتری را بیرون از چارچوب "ناتو" متحمل گردد، متحدان اروپایی غربی خود را فراخواند، تا برای "گامش بار سنگین" آمریکا، در اروپای غربی، اقدامات تسلیحاتی خود را شدت بخشند.

برای نمونه، در بریتانیا "تقسیم کار" بود که نیروی دریایی جمهوری فدرال آلمان حیطه عملیات خود را گسترش داد (از دریای بالتیک و دریای شمال تا آتلانتیک شمالی). دولت بریتانیا نیز اعلام کرد که قصد دارد به تشکیل "سپاه واکنش سریع" بپردازد. اینک به برخی از فعالیت‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در جهت تقویت "سپاه واکنش سریع" پس از مرداد ۱۳۵۹ نظری می‌افکنیم: اواخر پائیز ۱۳۵۹، دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که، علاوه بر دو پایگاه هوایی خود در مصر، به تأسیس پایگاهی دیگر در آن کشور، در سواحل دریای سرخ، مبادرت خواهد ورزید. مخارج این پایگاه ۴۰۰ میلیون



تنگنادران دریایی، بیش از آنکه عازم خلیج فارس و اقیانوس هند شوند، به تمرین تجاوز مشغولند.

دلار تخمین زده شده است. قرار است که این پایگاه در آینده برای استفاده ۱۶ هزار نفر و استقرار بمب افکن‌های استراتژیک "بی-۵۲" ماده گردد. پس از آغاز جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، در روز ۹ مهر ۱۳۵۹، چهار هواپیمای "آواکس"، برای "نظارت پایدار" بر خلیج فارس، در عربستان سعودی استقرار یافت. در این میان، شماره کشتی‌های جنگی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس به ۳۰ رسید. این ناوگروه عظیم، از جمله، هواپیماهای مجهز به سلاح‌های هسته‌ای "ایزنهاور" و "میدوی" را در برمی‌گیرد. به گزارش رسانه‌های گروهی غرب، ایالات متحده آمریکا می‌کوشد تا دیگر متحدان امپریالیستی خود را نیز چه بیشتر در ماجراجویی‌های خویش در منطقه خلیج شرکت دهد. دولت آمریکا پیشنهاد کرد ماست که "ناوگان مشترک" با شرکت کشورهای "ناتو" و ژاپن، استرالیا و زلاندنو، در این منطقه تشکیل شود.

در اواخر آبان امسال، نظامیان آمریکایی به بررسی امکانات ایجاد یک "امپریا گاه" در جزایر قناری، واقع در سواحل غربی، آفریقا پرداختند. یک روزنامه برلین غربی، که این خبر را انتشار داد، افزود که منظور تأسیس "جیزی همانند دیکوگارسا در اقیانوس اطلس" است، تا بتوان از آن به عنوان تخت جبهی برای کار بست "سپاه واکنش سریع" در آفریقا بهره جست. به گزارش این روزنامه، "هیرو، که کوچکترین جزیره مجمع‌الجزایر قناری است، ... می‌تواند به پایگاهی ایدئال برای استقرار حداکثر ۶۰ هزار سرباز ... تبدیل گردد."

«سپاه واکنش سریع» ۳۰۰ هزار نفر را در برخواهد گرفت

در ماه‌های گذشته، در پایگاه هوایی "مک دیل" در "تامپا" (ایالت

ناو هواپیما بر «کیتی هاتوک» بسوی سواحل خلیج فارس در حرکت است.

فلوریدا)، ستاد نظامی خاص "سپاه واکنش سریع"، تأسیس یافت. این ستاد با همه فرماندهی‌های نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در اروپا و اقیانوس اطلس ارتباط دارد. روزنامه "واشینگتن پست"، در شماره ۲۸ تیر ۱۳۵۹ خود، به نقل از کلی فرمانده کل "سپاه واکنش سریع" نوشت که، این سپاه مداخله‌گر سرانجام ۳۰۰ هزار نفر را در بر خواهد گرفت. یادآور می‌شویم که کارتر تعداد نفرات این "سپاه" را نخست نقشه‌های "پنتاگون"، "سپاه واکنش سریع" سپاه جداگانه‌ای نیست، بلکه از بگان‌های نیروهای زمینی، دریایی و هوایی و تنگنادران دریایی تشکیل می‌شود. هسته اصلی این سپاه اربابان-های ویژه تنگنادران دریایی تشکیل

است. محافل مجتمع نظامی - صنعتی، که کلی نمایندگی آنهاست، در درون اخیر در ایالات متحده آمریکا به پیروزی‌های جدیدی دست یافته‌اند. در سال‌های آینده، بودجه‌های سنگین به برنامه تسلیحاتی، از جمله در جهت تقویت "سپاه واکنش سریع"، تخصیص داده خواهد شد.

طرح بودجه "پنتاگون" برای سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۲ ارقام زیر را در برمی‌گیرد:

- ۱۲ میلیارد دلار برای هواپیما - های باربری جدید میان قاره ای "سی" اکس" و استقرار کشتی‌های جنگی؛
- ۵۰۰ میلیون دلار کشتی‌های لجستیکی سریع السیر "اس. ال. ۱۷۰"؛
- که می‌توانند در عرض چهار روز اقیانوس اطلس را بییمانند؛

۱ میلیارد دلار برای بهبود "دیکوگارسا" و حداقل ۷۰۰ میلیون دلار برای توسعه دیگر پایگاه‌ها؛

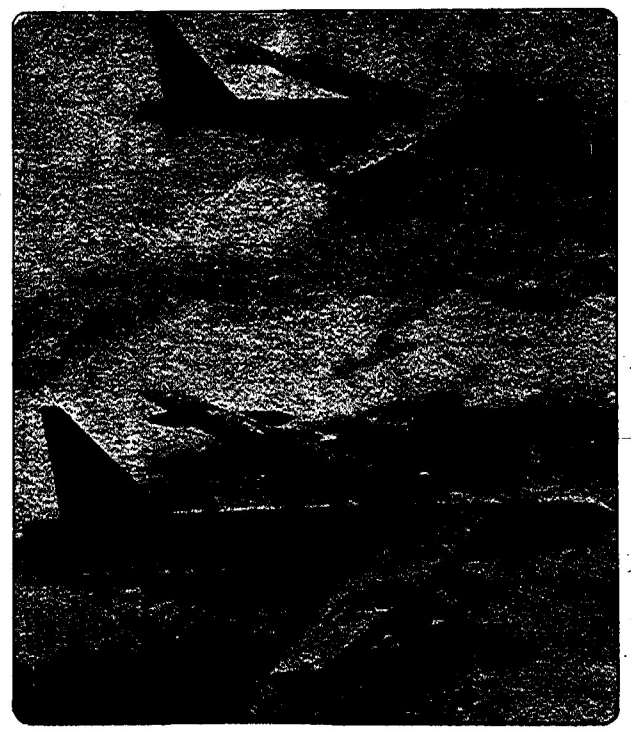
- ۱ میلیارد دلار برای هزینه‌های تکمیل "سپاه واکنش سریع"؛
- ۱-۲ میلیارد دلار برای پشتیبانی از حضور ناوگان‌های ایالات متحده در اقیانوس هند و ۵۰۰ میلیون دلار برای مانورهای ویژه این نیروها.

هزینه نقشه‌هایی که "پنتاگون" برای "سپاه واکنش سریع" کشیده است فوق‌العاده سنگین است. برای نمونه، در پنج سال آینده تنها در منطقه خلیج فارس، که مرکز نقل عملیات این نیروها را تشکیل می‌دهد، ۳۰ میلیارد دلار بودجه پیش‌بینی شده است.

نقشه «سپاه واکنش سریع»: بستن از استراتژی جهانشمول امپریالیسم آمریکا

واقعیت‌های نامبرده نشان می‌دهد که محافل جنگ طلب آمریکا با شتابی سرسام‌آور به احیا و پیشبرد نقشه‌های شیطانی گسترده‌ای دست زداند، که سالهاست محافل ارتجاعی افراطی این کشور به تدوین آن مشغول بوده‌اند. تشکیل و تقویت "سپاه واکنش سریع" کوششی است عبت از سوی امپریالیسم آمریکا برای دفاع از منافع جهانگرا و تجاوزکارانه خویش و ویژه در برابر جنبش‌های آزادیبخش ملی، این نقشه تیمکارانه، جزئی است از استراتژی جهان شمول شیطان بزرگ برای مقابله با نیروهای صلح و پیشرفت اجتماعی و تلاشی بهبودی برای تغییر توازن نیروهای بین‌المللی، به سود امپریالیسم و ارتجاع.

تقویت "سپاه واکنش سریع"



دو بمب افکن "بی-۵۲" بر فراز دریای عمان

جلوگیری از فعالیت قانونی سندیکاهای کارگری خلاف قانون اساسی و وزیران انقلاب و طبقه کارگر است

کارگران
شرکت سپاهمی
خاص شهوند:

«همگی داوطلبیم به جبهه برویم»

مسائل کارگری

کارخانه شهوند (تهران) مفاضا لاستیکی، کفپوش و تختشو پاشنه کفش تولید می کند. تعداد کارگران این کارخانه ۱۳۵ نفر است، که تا پیش از آغاز جنگ در تمشیت کار می کردند. در حال حاضر فعالیت بولندی آنان، بعلت رعایت مقررات حاموسی، به دو شیفت ۶ ساعته محدود شده است.

کارخانه در روزهای نخست جنگ تحصنی مدام در اثر بمباران آسیب دید و دو تن از کارگران آن شهید شدند.

با وجود کاهش ساعات کار و زیان ناشی از بمباران، بر اثر تلاش بی وقفه کارگران، نشتها از میزان تولید کالسه نده، بلکه کارخانه افزایش تولید بیسابقه ای نیز داشته است. این امر گویای آسست که کارگران توانستند بر مشکلات جنگ و ناسامی امر تولید به بهترین شکلی فاتح آیند.

شورای این واحد تولیدی از ۵ عضو تشکیل شده است. یک کارگر قسمت پرس (یکی از اعضای شورا) چگونگی فعالیت شورا را توضیح می دهد:

«قبل از پیروزی انقلاب، کارگران سندیکا داشتند. با روی کار آمدن دولت جدید سندیکا منحل شد. حدود ۱۴ ماه پیش شورای فعلی، با ۵ عضو اصلی و ۲ عضو علی البدل، شروع بکار کرد و با وجود جنگ اسمال تولید کارخانه با اهمیت کارگران افزایش قابل توجهی، در مقایسه با بازده سالهای ۵۶-۵۷ و ۵۸ داشته است. کارگران در هر شیفت ۶ ساعته به

اندازه ۸ ساعت کار می کنند و تلاش زیادی در افزایش هرچه بیشتر تولید به خرج می دهند. درباره قدرت شورا در ادارای امور تولیدی گفت:

«از آنجا که هنوز تکلیف شوراها معلوم نیست و آئین نامه مربوط به آن تصویب نشده، ما از قدرت اجرایی چندانی، بخصوص دربار آوردن ساختن خواسته های رفاهی کارگران، برخوردار نیستیم و نتوانستیم در این زمینه فعالیتی داشته باشیم. بنابراین یک تعابری اعتبار بوجود آورده ایم تا در صورت احتیاج، به کارگران وام بدهد. اما هنوز رسماً شروع بکار نکرده ایم. تعابری مصرف کارخانه نیز با کمبود مواد غذایی مواجه است و نیاز کارگران را تامین نمی کند. مراجعات ما به مقامات وزارت صنایع، برای رسیدگی به این وضع، تا کنون نتیجه ای نداشته است.

قبل از دولتی شدن کارخانه، سهامداران آن برای سودجویی بیشتر مبادرت به استخدام کارگران خارجی (بطور عمده افغانی) کرده بودند. پس از برقراری نظارت وزارت صنایع بر اداره کارخانه، کارگران ایرانی جایگزین خارجی ها شدند، و علاوه بر آن، جهت گسترش امر تولید، بر تعداد کارگران نسبت به گذشته ۳۰ درصد افزایش داده شد. استفاده کارگران جدید پس از انقلاب با احتساب کارگرانی که جایگزین کارکنان خارجی شده اند، به ۶٪ می رسد. از نظر مواد اولیه در حال حاضر کمبودی وجود ندارد. پس از اعمال تحریم اقتصادی و عدم ارسال مواد

اولیه از جانب کشورهای اروپای غربی کارخانه با بختن قرارداد با کشورهای آسیایی، از جمله هندوستان و بنگلادش و کشورهای سوسیالیستی، و همچنین خرید وسایل از واسطه ها، مواد مورد نظر خود را تامین کرده است.

در زمینه توسعه فعالیت های تولیدی، اخیراً از جانب مسئولان کارخانه طرح تولید «تسمی نقل» به وزارت صنایع پیشنهاد شده است. طبق گفته آنان، اجرای طرح مذکور می تواند تا حدود زیادی نیاز کشور را در این زمینه از داخل تامین کند. (طبق آمار سال ۵۶، ۳۲۵۰۰ تن از این کالا از خارج وارد شده است.) کارگران کارخانه شهوند، ضمن محکوم کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا، آمادگی کامل خود را برای افزایش بازهم بیشتر تولید و در صورت لزوم اجزاء به جبهه های جنگ اعلام داشتند. آنان همانند سایر کارگران

قهرمان میهن مان، یک روز حقوق خود را به آوارگان جنگ اختصاص دادند و یک کارگر قسمت برش (کارخانه از بخشهای برش پرس، قلعک، توزیع و انبار تشکیل شده است) در این زمینه گفت:

«این جنگ تعمیلی است و تا بیرون راندن متجاوزان باید در جبهه و پشت جبهه متحداً مبارزه کرد. ما تولیدمان را در روز بجای ۸ ساعت ۶ ساعته انجام می دهیم و حتی روزهای جمعه هم تعدادی از کارگران کار می کنند. ما هرگز اجازه نخواهیم داد حتی یک لحظه تولید متوقف شود. وی در بیان مشکلاتی که کارگران

با آن روبرو هستید، گفت: یکی از مهمترین مسائل موجود ناها همگ بودن کار در قسمت های تولیدی کارخانه است. تا بحال برای ارزیابی سختی کار و تعیین دستمزدها اساس آن، از طرف وزارت کار اقدامی صورت نگرفته است. در حالیکه مبین معتمد که کارگرانی که کار سخت تری دارند، باید مزایای بیشتری دریافت دارند. مشکل دیگر غیربهداشتی بودن محیط کار است. ما حتی برای شستن دستهایمان، که غالباً در حین کار به روغن و سایر مواد آلوده می شود، صابون نمی دهند. حمام و آب اینجا قابل استفاده نبوده و آب لوله کشی نیست. شورا قدرت اجرایی ندارد و به هیچ یک از خواسته های رفاهی ما رسیدگی نشده است.»

کارگر دیگری از قسمت غلطک اضافه کرد:

«اینجا کارگرانی با سابقه ۱۸-۱۹ و حتی ۲۲ سال، هنوز هم در بدترین شرایط کار می کنند در حالی که باید بازنشسته شوند. اما از آنجا که دستمزدها بعد از اینهمه سال کار کمتر از ۳۰۰۰ (سه هزار) تومان است، خودشان رضایت نمی دهند. با این گرانی و مشکلات دیگر، این دستمزدها بجای نمی رسد. دولت باید در تامین رفاه کارگران اقدامات سریع تری انجام دهد و به مسائل کارگری، که در حال حاضر اهمیت حیاتی دارند، توجه بیشتری نشان دهد. هنوز در میان کارگر و کارمند تبعیض وجود دارد. سختی کار مساوی اجاب می کند که حتی بیشتر از کار»

ندان، از مرخصی استفاده کنیم. اما همچنان کارگران ۱۲ روز و کارمندان ۳۰ روز حق استفاده از مرخصی دارند. ما انتظار داریم که هرچه زودتر قانون جدید کار تدوین و به خواسته های کارگران رسیدگی شود. مشکلات کارگران کارخانه شهوند را در مجموع می توان در موارد زیر بیان کرد: عدم تامین وسایل ایمنی در محیط کار، غیر بهداشتی بودن محل کار، عدم رعایت سختی کار در تعیین میزان دستمزد، مشکلات ناشی از لغو سود ویژه، تبعیض میان کارگران و کارمندان، مربوط به بازنشستگی و کارگران با سابقه، کمبود مواد اولیه غذایی و عدم رفع آن از جانب مسئولان، نارسا بودن قانون کار، عدم کارایی شورا در رسیدگی به خواسته های فوق. بیشتر کارگران معتقدند که شورا در زمینه رفع نیازهای رفاهی کارگران فاقد قدرت اجرایی است و حتی درصدد انحلال شورا، یا ایجاد کمیته ای برای پیگیری خواسته های صنفی خود برآمدند. ناتوانی شورای کارخانه شهوند در رسیدگی به مسائل صنفی کارگران تأکید دیگری است بر نادرستی ادغام وظایف شورا و سندیکا در کارخانه. می توان بحق انتظار داشت که در جوار تنظیم آئین نامه تشکیل شوراهای سندیکاهای کارگری در همان سطح مورد توجه و حمایت دولت قرار گیرد.

درباره مجتمع کشت و صنعت «خرمدره»

جمعیت کشت و صنعت «خرمدره» از جمله راضی صادره شده توسط بنیاد مستضعفین است. این زمین ها قبلاً به عنوان مرتع و چراگاه دام های اهالی مورد استفاده قرار می گرفت. قسمتی از زمین هانی به طور پراکنده با وسایل اولیه به طور نیم کاشته می شد. پس از باصلاح «انقلاب سفید» رژیم شاه ملعون، این زمین ها توسط دولت وقت، به عنوان «ملی» شدن جنگلها و مراتع، «ملی» اعلام شد.

با توجه به این مسئله که کسی حق کشت در این زمین ها را پس از «ملی» شدن نداشت و از طرف دیگر، چون با رشد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران، دامداری از رونق افتاد، این زمین ها بدون استفاده و با بر مانده و سرانجام حدود سال های ۵۲-۵۱ به وسیله دولت در اختیار خانواده «خاف» قرار گرفت. خانواده خاف نیز، با وام گذاشت دولت کم دولت در اختیار آنها، گوسفندداری، مرغداری و همچنین مراکز کشت بونجه و غلات کردند. با پیروزی انقلاب، «سالار خاف» به سبب خیانت هایی که در لباس

شرکت ۱ تراکتور ساخت کارخانجات کپس، جان دایر، فورد، فرگوسن، ویک دستگاه ساخت رومانی، یک بولدوزر، یک دستگاه گریدر، یک دستگاه بیل هیدرولیک، دودستگاه لودر، ۳ دستگاه ماشین بنه چینی، چهار دستگاه پرس بونجه، یک دستگاه ماشین برداشت ذرت، یک دستگاه کمباین دارد. ولی از آنجا که بیشتر این ماشین ها ساخت کشورهای آمریکا و اروپای غربی هستند، در پی محاصره اقتصادی، با عدم وسایل بدکی بواجه هستند. کارگران این مجتمع فاقد هرگونه تشکل کارگری هستند. جمعیتی با چنین امکانات وسیع،

پس این مجتمعها با چنین امکانات وسیعی باید هرچه بیشتر گسترش یابند

ناهمانی صادره شد و در اختیار بنیاد مستضعفین قرار گرفت. وسعت و امکانات این مجتمع در حدود ۸۰ هکتار مساحت دارد و شامل یک گاوداری (فلا ۲۵۰ گاو در آن نگهداری می شود) گوسفندداری (با ۵۰ گوسفند)، مرغ داری (با ۱۴ سالن که ۲۵ هزار جوجه در آن نگهداری می شود)، باغ سیب (مساحت ۱۰۰ هکتار)، باغ انگور (به وسعت ۵۰ هکتار)، و زمین هایی برای کشت بونجه، گندم، جو و ذرت است. حدود صد کارگر دائمی و دو سئ کارگر ای در این مجتمع کار می کنند و روزانه ۵۶۷ ریال مزد می گیرند. این

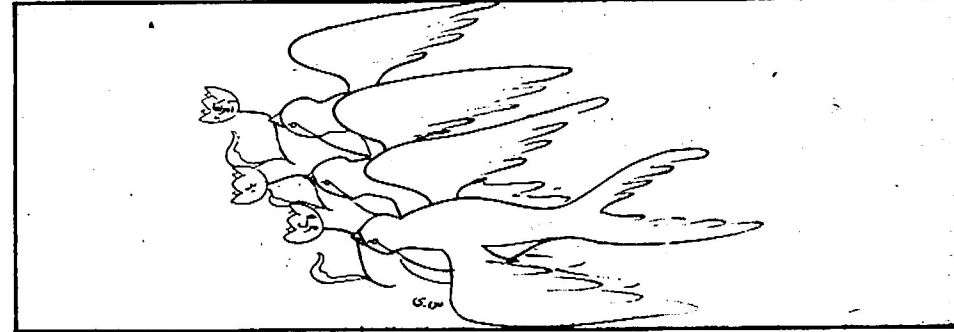
دست های توانائی که شهر کرد را تمیزترین شهر ایران کرده اند



شهر کرد را میتوان به حق یکی از تمیزترین شهرهای ایران دانست، و این به واسطه خدمات صادقانه کارکنان شهرداری و خصوصاً انسان های حکمتی چون غلامعلی سلیمی هاست، که هر چه در توان خود دارند، برای نظافت و بهداشت شهری در پی انجام میدهند. چه خوب بود اگر در این شهرستان ها تا کار انان های وطن دوست و مومن به انقلاب ارزشیابی شود و از آنها قدر دانی گردد. رفتگران شهر کرد هیچ چیز بیشتر از دیگر همکاران خود در تمام شهرها و قصبات ندارند. آنها با ابزار کارشان بیشتر از یک بیل، یک جارویک کاری دستی نیست، ولی از همین ابزار حد اکثر استفاده را میکنند و شهر خود را آن چنان تمیز میکنند که غلامعلی سلیمی میتواند ادعا کند که در تمام محله خدمت اوحتی یک نفر از کار او نارضی نیست. غلامعلی می گوید: «هر جا رو که در خیابان می کشم، کثافت رژیم سابق را پاک میکنم و این وظیفه ای است که باید آنرا جدی گرفت و هم باید کثافت طاغوت را از فکر، اندیشه، محیط کار و زندگی خود دور کنند.»

غلامعلی می گوید: «سه مجله داریم، یکی سه ساله و دوتا هم دو قلو و دوما هم ویدر و ما در بیروم. این خانواده هفت نفری فقط با روزی ۶۳/۵ تومان حقوق اداره میکنم. بجای ناهار ظهر، با پنج ریال نان خشک می سازم،

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحسین و درگیری، توطئه ضد انقلاب است



اهالی روستای شنگل آباد، از طریق شورای ده، به یک یک خواستهای خود می رسند

تشکیل شوراهای ده برای دسترسی به خواستهای خود در درجه اول زمین، از مهمترین وظایف روستاییان است، که با بهره‌رزی و زودتر در تمام دهات و روستاهای کشور بوجود آید. شوراهای موهبتی هستند که انقلاب به مردم کشور ما و روستاییان اعطاء کرده است و با به هم چون مردمک چشم از آنها پاسداری کرد و کوشید، تا اعضا تشکیل دهنده، شورا، افسران دولتی و روستاییان و از میان خود آنان باشند.

در حدود هفت ماه قبل، در روستای شنگل آباد، از بخش شیخترشهرستان تبریز، شورایی تشکیل شده است که اهالی از نحوه عمل شورا رضایت دارند. تعداد اعضا این شورا، که با همکاری سیاه پاسداران تشکیل شده، ۵ نفر است و شورا از طرف مقامات مسئول به رسمیت شناخته شده است.

تعمیر حمام، ده، احداث پل بزرگی که دو طرف ده را به هم مرتبط میسازد و همچنین احداث ۸ پل دیگر در راههای زراعتی، توزیع سیگار، قند، روغن و بودردرختشویی (البته تا قبل از طرح عادلانه خیریه بندی) و نیز رسیدگی به مشکلات اهالی، از جمله فعالیت‌های مثبت شورای روستای شنگل آباد است.

روابط شورا با نهادها و انقلابی خوب و برادرانه است. از جمله جماعه با همکاری جهاد سازندگی تعمیر شده است و با روغن موتورهای آب راد روز به ده روز، با همکاری یکدیگر، عوض می‌کنند (البته این موقعی

است که موتور کار می‌کند) همچنین از طرف سپاه پاسداران منطقه به افراد روستا بسیج تشکیل شده است. نمونه دیگر از همکاری شورا با نهادهای انقلابی، تقسیم زمین‌های ارباب توسط هیئت هفت نفری در میان دهقانان زحمتکش روستا است، که بخشداری نیز، در این مورد کمک کرده است. قابل ذکر است که ۵۵ هکتار از زمین‌های مالک روستا میان دهقانان تقسیم شده است بقیه زمین‌های متعلق به مالک، آب ندارد و اهالی ده می‌توانند هر قدر که بخواهند، بقیه زمینها را کشت کنند. شورا باید در این زمینه استین‌ها را بیاورد و دهقانان را به کار تعاونی تشویق نماید.

مهمترین وظایف کنونی شورا عبارتند از: درست کردن فاضلاب حمام، تأمین نفت و کود برای اهالی، آب زراعی کافی بوسیله احداث چاهها و واگذاری پمپ‌های آب.

روستاییان و دهقانان زحمتکش! اگر در روستای خود شورا ندارید، سعی کنید که هر چه زودتر با کمک یکدیگر، شورای مناسب خود را بوجود آورید. سعی کنید که اعضای شورا از میان افراد موردا اعتماد خود شما انتخاب شوند، تا در مقابل بزرگ مالکان از شما دفاع کنند و خواستهای شما را برآورده سازند. سعی کنید که همکاری فعال بین شورا با جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و هیئت‌های هفت نفری وجود آید.

دهقان «رابط جز»

اگر بند «ج» اجرا شود، زندگی آفتاب نشین‌ها رونق پیدا می کند

روستای «رابط جز» ده ۴ کیلومتری شرق سبزوار قرار دارد. این روستا ۸۵۰ خانوار را در برمی‌گیرد. از این تعداد ۲۰۰ خانوار آفتاب نشین (دهقانان بزمین) هستند.

مردم روستا بطور عمده به کشاورزی اشتغال دارند. قالیبافی در «رابط جز» فراوان دارد.

دهقانان «رابط جز» نیز بتوانند جزیرا میلیونها زحمتکش روستایی در انقلاب شرکت فعال داشته باشند. آنها با برپا کردن تظاهرات در روستا و مشارکت در راهپیمایی‌های شهری نقش فعال خود را ایفاء کردند. در حال حاضر نیز اهالی بطور فعال در بسیج مسجد ده شرکت کرده‌اند و تعلیم می‌بینند.

یکی از مشکلات دهقانان بزمین و کهنه «رابط جز» عدم اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و بند «ج» این قانون است. در این باره یکی از دهقانان می‌گوید:

در سابق بین اهالی ده به تریاک قودالهای منطقه همیشه دوستی وجود داشت. حالا اینطور نیست. ولی اگر بند «ج» اجرا شود، بازم کسانی هستند مثل آفتاب نشین‌ها، که زندگی‌شان رونق می‌گیرد.

۲۰۰ خانوار دهقان مبارز و زحمتکش «رابط جز»، که هیچگونه زمینی برای کشت

ندارند و مجبورند زندگی را با سختی بگذرانند، در انتظار اجرای فوری و قاطع قانون اصلاحات ارضی و بخصوص بند «ج» و بند ده روزشمار می‌کنند. دهقانان مبارزی که در روزهای انقلاب فریاد می‌زدند: «مرگ بر رژیم ننگین پهلوی» و «دهقان پیروز است، آمریکا نابود است، فوئال نابود است»، هم‌اکنون در انتظارند که جمهوری اسلامی ایران

۲۰۰ خانوار خوش‌ترشین روستای «رابط جز» بی‌صبرانه در انتظار اجرای قانون اصلاحات ارضی و بند «ج» قانون هستند.

با بزرگ مالکان بهره‌کش و توطئه‌گر قاطعانه مبارزه کند و حق را به مقتدار برساند.

یکی دیگر از مشکلات دهقانان «رابط جز» کمبود آب است. یا این که شورای ده اقدامی را در این زمینه انجام داده است و از جمله مشکل سوخت را با اولویت دادن به تراکتورها و موتورهای آمی جهت بهبود امر کشت و برداشت تا حدی حل کند، لیکن چون اراضی روستا دارای خاکهای رسی هستند از این لحاظ کشت دیم در این زمینها امکان پذیر نیست و تنها با فوئال

می‌تواند این مشکل را حل کند. از ۵ دستگاه چاه عمیق و ۲۱ دستگاه چاه نیمه عمیق قفل یک دستگاه چاه عمیق و سه دستگاه چاه نیمه عمیق به کار مشغولند. مسئله سوخت موتورهای آب نیز مشکل را حادتر کرده است. محوره، یکی از دهقانان، در این مورد می‌گوید:

همین و ۴۰ نفر از اهالی روستا بطور شراکتی دارای یک چاه عمیق هستیم. از طرف فرمانداری آمدند و گفتند آنرا راه بیابانزاید و حاضر شدیم تنها ۱۷ لیتر روغن و ۱۰۰ لیتر گازوئیل بیا بدهند. در حالیکه امتحان کردن موتور به ۴۵ لیتر گازوئیل احتیاج دارد. من مقداری کاشته‌ام و به علت کمبود آب مجبورم آب ساعتی ۷۰ الی ۸۰ تومان بخرم.

علاوه بر چاهها، روستاییان ۱۰ شایانه روز از ۳۰ شایانه روز آب رودخانه هم دارند که آب این رودخانه هم کم است. ۲۰۰ خانوار آفتاب نشین روستای «رابط جز» و تسکستی، کودکان خود را به قالیبافی می‌فرستند و خود روی زمینهای دیگران به کار می‌برازند، یا به کارهایی از قبیل پالان‌دوزی و سفالگری مشغول هستند. آنان چشم انتظار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی هستند.



درده خود شرکت تعاونی مصرف ایجاد کنیم

حدود سه ماه پیش اهالی بخش روستایی گهریزک واقع در جنوب شهری، برای تشکیل یک شرکت تعاونی در مسجد محل جمع شدند و دست به انتخاب هیئت مدیره زدند. آنها برای تعیین رساندن تعاونی حدود نیمی میلیون تومان وام از بخشداری «جهان آباد» تقاضا کردند. متأسفانه به علت جنگ تعمیلی رژیم صدام، کار پرداخت وام به تعویق افتاد. سهامداران، که در حدود ۱۳۰ نفر بودند

به خاطر اینکه مسئله شرکت تعاونی معلق نماند، تصمیم گرفتند با مقدار سهمی که در صندوق تعاونی گذاشته بودند، (هر سهم ۴۰۰ تومان و برای هر نفر تا ۱۰ سهم قابل خرید است)، اقدام به خرید اوراق عمومی مورد نیاز، مثل مرغ و تخم مرغ بکنند.

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۳ شرکت تعاونی مصرف بخش گهریزک افتتاح گردید. قرار است که تعاونی خود مسئولیت

پخش ارزاق عمومی جیره بندی شده را به عهده گیرد. لازم به تذکر است که کمیته گهریزک از طریق به فروش رساندن ماسه معدنیک فوئال، هزینه ساختن شرکت تعاونی را تأمین کرده است.

این نمونه آموزنده‌ای است که می‌تواند مورد استفاده همه دهقانان زحمتکش قرار گیرد و تعاونی مصرف با شرکت و نظارت خود دهقانان ایجاد گردد.

دهقانان «چقریش قارداش» خواهان اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی و از جمله بند «ج» هستند

در حال حاضر این اراضی با نظارت شورای ده (که مرکب از ۳ عضو فارس و ۲ عضو ترکمن و ۲ عضو سپستانی است) کشت می‌شوند. اعضاء شورا با هم هماهنگی کامل دارند و مردم از شورای ده راضی هستند.

پس از اینکه هیئت هفت نفری به روستا آمد، ۲ نفر نماینده دهقانان در هیئت انتخاب شد و هیئت نیز حکم کشت ۴۰۰ هکتار زمین بزرگ مالک را، که در اختیار دهقانان بود، به شورای ده داد. روستای چقریش قارداش آب لوله کشی و برق دارد، لیکن فاقد حمام و پل روی رودخانه است. شورای ده تا کنون چند بار به جهاد سازندگی کالیبکشی و کندیگاووس - مراجعه کرده، ولی کسی بودجه‌ها و لوازم را ندادند. روستای دهقانان قرا گیرند. تفرقه اندازی و ایجاد اختلاف کار بزرگ مالکان رشد - انقلاب است. اجرای بند «ج» به این اتحاد مردم زحمتکش روستا کمک حیاتی خواهد کرد.

روستاییان تهدید روستا می‌خواهند که هر چه زودتر تعلیق بند «ج» مرتفع گردد و با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و جنبه قانونی بخشیدن به مصادره اراضی بزرگ مالک، زمینه برای افزایش هر چه بیشتر محصولات و رسیدن به خودکفایی فراهم آید.

نمونه دهقانان چقریش قارداش، سرمشق الهام بخشی است. آن‌ها از ملیت‌های مختلف هستند ولی برادوار دست بدست هم داده‌اند. شورای واقعی خود را انتخاب کردند. خودشان نمایندگان مورد اعتماد را به هیئت درهمین است. این روشی را باید همه دهقانان قرا گیرند. تفرقه اندازی و ایجاد اختلاف کار بزرگ مالکان رشد - انقلاب است. اجرای بند «ج» به این اتحاد مردم زحمتکش روستا کمک حیاتی خواهد کرد.

در روستای چقریش قارداش اراضی بزرگ مالک بوسیله دهقانان با حکم صادره از سوی هیئت هفت نفری بزرگ کشت رفتند.

این زمین‌ها بر نظارت شورای ده، در اختیار روستاییان است، لیکن به علت تعویق بند «ج» بطور قطعی و دائمی به دهقانان واگذار نشده‌اند. اهالی حامی و پشتیبان شورای ده هستند.

روستای چقریش قارداش یکی از روستاهای بخش کلاله است که در کیلومتر ۴۵ کندیگاووس و کنار جاده مینودشت - بجنورد قرار دارد. (۱۴۲ خانوار و ۶۵۹ نفر جمعیت).

اهالی این روستا از فارس‌ها، ترکمن‌ها و سپستانی‌ها هستند. دهقانان تهدید روستاییان را با اتحاد و مبارزه خود و علیرغم سهیم‌های گوناگون بزرگ مالک، زمین‌های وی را، که به ۴۰ هکتار می‌رسید، مصادره کردند و تنها ۱۲ هکتار بقول یکی از اهالی ۳ برابر عرف محل مطابق قانون برای او باقی ماند.

اراضی و باغهای بزرگ مالکان «در بند» را به دهقانان واگذار کنید!

دره کیلومتری جاده سنگر - شهمیرزاد، باغ‌های حاصلخیز و زمین‌های زراعی، منطقه وسیعی بنام در بند را فرا گرفته‌اند. اکثر اراضی منطقه «متعلق» به دو بزرگ مالک است، که در گذشته بعد دهقانان ستم‌رو می‌داشتند و از نیروی کار آنان به رایگان استفاده می‌کردند. یکی از آنان، پس از کودتای آمریکایی ۱۳۳۲، به دستبوس شاه ملعون رفت و از آن به بعد غلام حلقه به گوش وی شد. سپس با سوء استفاده از قدرتی که بدست آورد، تمام زمین‌های در بند و شهمیرزاد را به زور تصاحب کرد.

هنگامی که توده‌های میلیونی مردم علیه شاه ملعون مبارزه می‌کردند، وی به نفع شاه تظاهرات راهمی‌انداخت. این بزرگ مالک پس از انقلاب تحت تعقیب قرار گرفت.

بزرگ مالک دیگر، که صاحب اکثر باغ‌ها و زمین‌های در بند است، به روند های سیاه‌پوش بزرگ مالک قبلی دارد. در حال حاضر زمین‌های در بند را پس از بزرگ مالک در اختیار گرفته است.

کشاورزان در بند، که سال‌ها سال بر روی زمین‌ها کار کرده‌اند، چشم انتظارند تا هیئت هفت نفری هر چه زودتر به وضع باغ‌ها و اراضی این خدمتگزاران طاغوت رسیدگی کند و قانون اصلاحات ارضی را بطور کامل در مورد آنها به اجرا درآورد.

امام خمینی موکداً گفته‌اند که اراضی غصبی، که به زور گرفته شده یا ستم‌ساز شده، باید به مالکیت دهقانان درآید. چنین زمین‌هایی حتی مشمول بند «ج» هم نمی‌شود و هیئت ۷ نفری با همان بندهای «الف» و «ب» می‌تواند آنها را به دهقانان زحمتکش واگذار کند.

دهقانان!

برای دفاع از همین خود، زور فرمان سیاه پاسداران مسلح شوید و آمادگی خود را برای شرکت در زور به نهاد های انقلابی اعلام کنید

باید از خروج بی رویه ارز تحصیلی جدا جلودگیری کرد

دانشجویی و تعیین حدود و ثغور حقوقی برای آن، وزارت آموزش عالی پرستی - نامه‌هایی برای دانشجویان ارسال داشته، تا پس از دریافت مجدد، تصمیمات تازه‌ای در این باره اتخاذ کند. نامه مردم " درباره این مسئله، که به ویژه در دوران بعد از انقلاب به یکی از معایب مهم خروج ارز از کشور تبدیل شده، گزارش خود را اعلام داشته است. همواره تکرار کرده‌ام که در مسئله تعداد دانشجویان مقیم خارج رشته تحصیلی آن‌ها مبلغ ارز اسالی تجدید نظر جدی لازم است، تا هر سال مبلغ هنگفتی ارز زیر این عنوان به خارج نرود.

مقامات دولتی به تلوخ و تصریح تعداد دانشجویان ایرانی مقیم خارج را حدود ۱۵۰ هزار نفر ذکر کرده‌اند. به عقیده ما، این رقم دقیق نیست و با توجه به تعداد کسانی که پس از پیروزی انقلاب، به نام "دانشجو" از کشور خارج شده‌اند و جمع کثیری که در دوران طاغوت در خارج از کشور، به نام "دانشجو" ارز دریافت می‌کردند، تعداد آن‌ها بیش از این رقم است. اما اگر همین تعداد را رقم واقعی بگیریم و محاسبه را بر این پایه قرار دهیم که برای هر دانشجو ماهانه هزار دلار ارسال شده، هر سال مبلغ ۱/۸ میلیارد دلار ارز زیر این عنوان به خارج فرستاده‌ایم. بر این رقم باید مبالغی را افزود که دانشجویان متعلق به خانواده‌های مرفه‌تر خانواده‌های خود در گذشته به صورت مشروع و در دوران پیمانه انقلاب از طریق قاچاق - دریافت کرده‌اند. بر این رقم باید بهای خوراک و پوشاک و قالی و آثار هنری و تزیینی را افزود که خانواده‌ها منظم طی سال برای فرزندان خود ارسال داشته‌اند. با احتساب این دو رقم، از ارز اسالی برای دانشجویان مقیم خارج از ۲/۵ میلیارد دلار در سال هم تجاوز خواهد کرد.

در دوران طاغوت و غارت امپریالیسم، هدف، سازگاری دلارهای نفتی کشورهای امپریالیستی بود، و یکی از معایب آن، همین ارز دانشجویی. از آنجا که اقتصاد ایران می‌بایست وابسته بماند، پول‌هایی که باید در صنعت و کشاورزی و فرهنگ کشور سرمایه‌گذاری شود و به ایجاد صنعت ملی و مستقل، کشاورزی خودکفا و فرهنگ پیشرفته کمک کند، برای حفظ صنایع و کشاورزی وابسته و فرهنگ استعمارزده به مجیب انحمارات امپریالیستی سرازیر می‌شد. دانشگاه‌های ایران محدود و محقر و کم حجم باقی می‌ماند و سیل

دانشجو به خارج می‌رفت. انقلاب که همه چیز را دچار دگرگونی و تطور کرد، در عرصه آموزش عالی و اعزام دانشجو به خارج نیز باید بتواند تحول اساسی منطبق با نیازهای جامعه پدید آورد. متأسفانه اکنون که انقلاب سومین سال پیروزی را می‌گذراند، هنوز جز برخی تجدید نظرهای جزئی، کار چشم‌گیری در این عرصه انجام نشده است. نه تنها برای دانشجویان مقیم خارج تاکنون میلیاردها دلار از جیب این مردم ارسال شده، بلکه ضد انقلاب غیردانشجو نیز موفق شده، با تقلب و جعل، مبالغی ارز دانشجویی به نام خود حواله بگیرد، معاش خود را در اروپا و امریکای آمریکا و علمای انقلاب دست به توطئه بزند.

باتوجه به این حقیقت، نخستین گام مسئولین در این راه باید بررسی فوری پرونده‌های دانشجویی باشد. باید روشن شود که این ۱۵۰-۲۰۰ هزار نفری که به نام "دانشجو" ارزی می‌گیرند، چه کسانی هستند؟ سابقه تحصیلی آنان چیست؟ چند سال است در خارج‌اند؟ در چه رشته تحصیل می‌کنند؟ متأسفانه خانوادگی و پیشینه فعالیت‌های سیاسی آنان چیست؟ تا هم از جعل و تقلب برای خروج ارز دانشجویی جلوگیری شود و هم انتخاب دانشجو و ارسال ارز برضوابط انقلابی جدیدی مبتنی گردد.

نخست باید نیازهای کشورهای نیروی متخصص، با توجه به سیر تکامل اقتصاد کشور، بسنجیم. سپس برآورد کنیم که چه تعداد از این نیرو را در داخل می‌توانیم تامین کنیم و چه تعداد باید در خارج آموزش ببینند. تعداد اخیر از میان دانشجویان مقیم خارج، باید نظر گرفتن معیارهای زیر، باید انتخاب شوند:

- ۱- متعلق به خانواده‌های طاغوتی و فراری نباشند.
- ۲- نیاز آنان به دریافت ارز تحصیلی مسلم باشد.
- ۳- در رشته‌های دانش‌اندوزند که مورد نیاز کشور است.
- ۴- سابقه فعالیت سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی نداشته باشند.
- ۵- متعهد به بازگشت به ایران باشند.

پس از آن که نیروی مورد نیاز اقتصاد کشور از میان اینها مشخص شود، ایرانی مقیم خارج انتخاب شد، تازه باید میزان ارز تحصیلی را منطبق با هزینه زندگی توأم با قناعت دانشجویی

تعیین کرد و نه آن‌که با گشاد بازی ارز کشور را هدر داد. بدینسان خواهیم توانست میزان ارز دانشجویی را به حداقل لازم برسانیم و مبالغ صرفه جویی را به مزخمت اقتصاد از هم کسب‌کنیم خود بزنیم.

اقتصاد کشور به نوسازی نیازمند است و این نوسازی جز از طریق سرمایه‌گذاری دولتی میسر نیست. کشور در چنبر یک جنگ تحمیلی گرفتار است و زبان‌های ناشی از جنگ اندک نیست. برای جبران این خسارات و آن نوسازی ما به مردان خود نیاز داریم و بخردانه نیست که آنرا مفت و مسلم و حاتم وار از دست بدهیم.

نکته شایان توجه دیگر آن که، به دنبال تصمیم به انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌های کشور تعطیل شد و یکی از علل ذکر شده، ضرورت محو سلطه و نفوذ فرهنگ نواستعماری بود. اگر این اصل درست را در دانشگاه‌های کشور می‌پذیریم، چرا در مورد دانشجویان مقیم خارج، که در قالب فرهنگ استعماری تحصیل می‌کنند و در مه‌ذاریش شیوه‌های زندگی سرمایه‌داری امپریالیستی، سال‌های جوانی خود را می‌گذرانند، قبول نداریم؟ چرا جوانان متعلق به خانواده‌های متوسط را، که استطاعت مالی‌شان اجازه تحصیل در خارج را نداده است، به خیابان‌ها می‌بریزیم، ولی برای جوانان متعلق به خانواده‌های مرفه و مستکبر، ماه به ماه حواله ارزی صادر می‌کنیم، تا در جوامع امپریالیستی که انقلاب ما شیوه‌های زندگی آنرا طرد کرده است، تحصیل کنند و پول‌ها بگیرند و تحصیل هم نکنند؟

باطمینان می‌توان گفت که صدی نود و اندکی دانشجویانی که هم اکنون در خارج از کشور به سر می‌برند، با انقلاب ایران هم سو و هم‌رأی نیستند و از این اکثریت، اقلیتی حتی ضد انقلابی فعال هستند و مستقیم و غیرمستقیم شریک و سهم‌دار دسیسه‌های ضد انقلاب خارج از کشورند.

آنها ضرورتی دارد که ما با پول این مردم نیازمند، که خود نه‌غذای کافی، نه پوشاک، نه آموزش و نه بهداشت و درمان دارند، وارد آستین ببریم و آنها را لازم است که لقمه دهان کارگر و دهقان را در دهان دشمنان انقلاب بگذاریم؟ عادلانه است پول مردمی را که با خون خود انقلاب را به پیروزی رسانده‌اند، خرج تحصیل کسانی کنیم که پنج درصد آن‌ها هم قصد بازگشت به میهن را ندارند؟

باید هر چه زودتر بر این بی عدالتی فاش پایان داد و از خروج بی‌رویه ارز دانشجویی جلوگیری کرد.

حمله ضد انقلاب به نمایشگاه دومین سالگرد انقلاب در تنکابن خنثی شد



به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران، از سوی سازمان حزب توده ایران در تنکابن، نمایشگاهی از عکس، طرح و پوستر در این شهر برگزار شد. این نمایشگاه، که در آن کارهای گوناگونی نیز در باره توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران به نمایش گذاشته شده بود، در طول برپایی خود مورد استقبال مردم قرار گرفت. پس از گذشت مدتی از برپایی این نمایشگاه، عوامل ضد انقلاب سعی کردند، تا از ادامه کار جلوگیری کنند و آن را درهم ریزند، لیکن هویتاری مردم و نهادهای انقلابی و انتظامی تنکابن مانع انجام توطئه ضد انقلاب شد.

نمایشگاه عکس و کاریکاتور در دزفول



بمهرت اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در شهرستان دزفول، نمایشگاه عکس و کاریکاتوری از "جنگ تحمیلی صدام و توطئه‌های آمریکا" در شهرستان این شهر از ۱۶ بهمن ۵۹، برپا گردید. این نمایشگاه، در مدت برپایی خود، با استقبال مردم دزفول مواجه شد.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

آنچه‌اندک؟ علاوه بر این، مسئولان بانک مرکزی باید توجه داشته باشند که با فرض بدون اشکال بودن ادا فعالیت‌های نمایشگاهی، نباید به بانک‌های کشاورزی که در امر محاصره اقتصادی ایران دست‌انگیز شیطانی بزرگ آمریکا بوده‌اند و در تلاش آمریکا به منظور درهم کوبیدن انقلاب مردم ایران، به آن کشور باری می‌دهند، اجازه ایجاد نمایندگی در ایران داد شود.

بنظر ما، موضوع وجود نمایندگی‌های بانک‌های خارجی در ایران از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و جای دارد که مورد ملاحظه جدی و همه‌جانبه مقامات مسئول قرار گیرد، چنانچه اقدامات که دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران، برای ضربه زدن به انقلاب، حتی یک لحظه عرصه اقتصادی را فراروش نکرده و نمی‌کنند و با استفاده از جمیع امکانات سعی دارند نفوذ از دست رفته خود را در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی خود را دوباره بدست آورند.

آیا وجود دفاتر نمایندگی بانک‌های امپریالیستی در ایران آغازی برای این تجدیدنظری نیست؟

باید به هوش بود و کلیه راه‌ها را بر دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران سدود کرد.

نمایندگان کشورهای بانک‌های کشورهای آمریکا در ایران چه می‌کنند؟

آغاز کردند و به تدریج بر تعداد آنها نیز اضافه گردید. تا آنجا که در پایان سال ۱۳۵۶، بیش از ۵۰ نمایندگی، که بعضی از آنها نمایندگی چندین بانک آمریکایی و اروپایی را عهده‌دار بودند، دفاتر خود را در تهران گشودند و به فعالیت مشغول گردیدند.

از آنجا که مقرراتی در مورد فعالیت نمایندگی‌های مزیور به وسیله بانک مرکزی تدوین نگردیده بود و بانک مزیور سر کار آنها نیز نظارت نداشت، نمایندگی‌های مورد بحث مساعدت به انجام هر نوع فعالیت سودآور و خصوصی نقل و انتقال غیر مجاز از می‌کردند.

ملی کردن بانک‌ها، که یکی از دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران بود، موجب قطع نفوذ صاحبان سرمایه‌های کلان داخلی و انحصارات مالی بین‌المللی در بانکداری کشور گردید. ولی با نهایت تعجب مشاهده کردیم که نمایندگی‌های بانک‌های خارجی در ایران، جز آن تعداد که در طلبانه مباردت به متوقف کردن فعالیت خود کردند، به کار ادامه دادند و گویا دفاتر تعطیل شده نیز به فکر بازگشایی دفاتر خود هستند. زیرا امروز نامه‌های ماطامات، مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۵۹، خبری به شرح زیر درج گردید:

پنج بانک ژاپنی با پیش بینی افزایش معاملات تجاری و مالی با ایران، دفاتر خود را در تهران مجدداً گشودند و در ارتباط با خبر مزیور و با توجه به این واقعیت که کلیه بانک‌ها در ایران ملی اعلام شده‌اند، مردم حق دارند نگران فعالیت این نمایندگی‌ها باشند و از بانک مرکزی، که به موجب قانون، نظارت بر بانک‌ها را عهده‌دار است، بخواهند تا اقدام به تعطیل

رژیم گذشته تلاش داشت تا ایران را، چهار لحاظ سیاسی و چه در زمینه‌های اقتصادی، هر چه بیشتر به کشورهای امپریالیستی وابسته کند. یکی از آثار این تلاش، ورود سرمایه‌های مالی امپریالیستی به بانکداری کشور و تشکیل تعدادی بانک به نام "بانک‌های مختلط" بود. پیدایش این گروه از بانک‌ها در بانکداری ایران موجب گردید که اینجبارات مالی و صنعتی، بین‌المللی، بانکداری و به دنبال آن اقتصاد کشور را بر سلطه خود قرار دهند و از امکانات مالی این گروه بانک‌ها، در راه اجرای مقاصد امپریالیستی‌های ایران استفاده کنند و در پایان هر سال، سود سهام خود را به ارز مریوط تبدیل نمایند و از ایران خارج سازند.

در کنار "بانک‌های مختلط"، که در بانکداری ایران از قدرت و امکانات قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند، به تدریج نمایندگی‌های بانک‌های کشورهای امپریالیستی، به منظور تسلط هر چه بیشتر انحصارات مالی بین‌المللی بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی ایران، تشکیل شدند. این نمایندگی‌ها، فارغ از هر نوع محدودیت و بدون اینکه مقرراتی در مورد نوع و محدوده فعالیت‌های آنها وجود داشته باشد، کار خود را در ایران

درباره دوران بسیار دشوار انتقال

در کار گروهی، ساده کردن عامیانه مطلب است. یعنی قلم مشکلات موجود صرفاً نتیجه عمل امریالیسم، سرکردگی آمریکا، و تدارکات و توطئه‌های بسیار وسیع، ارتجاع منطقه (از نوع صدام) و ارتجاع ضدانقلابی ایران و متحدان گاه و ناگاه آن‌هاست. اگر خطای این یا آن نهاد انقلابی در این مشکلات سهمی داشته باشد، مهم است، ولی فرعی است. شما لحظه‌ای تصور کنید که اگر تبدیلات و توطئه‌های بیایی و جنگ و خرابکاری‌های داخلی و خارجی نبود و اتحاد نیروهای انقلابی عملی میشد، تا چه حد از مشکلات آمریزی کاسته میشد، شما فکر کنید که تا چه حد دشمن انقلاب حتی در نهادهای انقلابی رخنه کرده است و از درون این نهادها یک انقلاب دست‌یخ‌برابری می‌زنند.

ضدانقلاب ایران، طبق دستور صریح سازمان‌های جاسوسی از واشنگتن، لندن، پاریس، روم و پکن از سوئی یا ریش و توسیع و عبادت فروشی وارد کار شده است. از سوی دیگر، یعنی دیگری از عمل همین دستگاه‌های جاسوسی، یا سرزدها و شمارها و جزوات انقلابی سرخ‌رنگ و جاب و جنجال به اسطلاح انقلابی بمیدان آمده‌اند و به دفاع از طریقت زحمتکش و «حق ملایران» پرداخته‌اند!

ما بعنوان عناصر پیگیر و صديق انقلابی، روی پوست و گوشت خود احساس می‌کنیم که دشمنان انقلاب با ترغدهای رویامشانه خود توانسته‌اند چوبی‌های بزرگی لای چرخ انقلاب بگذارند. ولی ما دشواریهای همه‌جانبه دوران انتقال، خاد بودن نیزه «که بر گاه» له‌ج‌خونده، چون آیین و تبه‌کارانه امریالیسم، سرکردگی آمریکا، و عاملان راه، که عاشق باز یافتن «دبشت گمشده‌مانده» درک می‌کنیم و با شکنجای فراوان و پایداری بدون تور، در راه تمیق انقلاب می‌جنگیم. نبرده باطنی حقیقت راه است، ولی در عین حال ما به پیروزی قطعی و نهایی این نبرد مقیم تیز باور داریم، گرچه میفانیم که سنگلاخ طولانی و دشواری‌های دوران انتقال را درک و تحمل می‌کنیم!

اجتماعی ایران تحول ریشه‌ای روی دهد و انقلاب بازگشت‌ناپذیر شود. یعنی چه؟ یعنی بجای حکومت‌بزرگ مالکان، کلان‌سرمایه‌داران، دیوانسالاران زورگو و منتخوار و روشنفکران وابسته به آنها، حکومت توده‌های مولد جامعه: کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش پدید آید. این آن‌جاست که استقلال و آزادی را مانند مردمک دیدگانست حراست خواهد کرد و امریالیسم را توان‌رنده کردن در دستار نظام اجتماعی‌اش نخواهد بود. ولی آیا ساختن چنین جامعه و استقرار چنین حاکمیتی کار ساده‌ایست؟

انتقال از جامعه خانیا و ملاکان و سرمایه‌داران و دیوانسالاران و روشنفکران وابسته به آنها، به جامعه توده‌های مردم، کار فوق‌العاده بی‌نظمی‌است. آنهم درحالیکه تمام سرمایه‌داری جهانی در پشت سر آن اردوی دوزخی ایستاده و با پول و اسلحه و توسیع و تشویق و سازماندهی و تحریک او را سر پا نگاه میدارد و در سر راه پیشرفت انقلاب دام‌گستر و سدسازی می‌کند. هم‌اکنون آمریکا مهمترین تمیبه‌های نظامی خود را در منطقه سا بوجود آورده، که تنها یک جزء آن، مهمترین ناوگروه در دریای عمان و مهمترین پایگاه در دیده‌گو گارسیه است.

چرخنده‌آور است که کسانی که خود را روشنفکر می‌پندارند، مشکلات کنونی را چنین سهل و ساده بگردن حکومت «خونده» می‌اندازند! یعنی از روحانیت مردمی ایران در کنار میلیون‌ها تن دیگر در این انقلاب نقش مهم و نظرگیر داشته‌اند و دارند. ولی تلخیص سرپای یک انقلاب

تا امروز، پیوسته هیجان اجتماعی ریشه‌کار و بنیادینی از خود نشان داده است، که میتواند مایه فخر او باشد. در مورد انقلاب مشروطیت نیز، که بارها مورد ستایش لیب قرار گرفته، یک‌روز مورخین خارجی نوشت که، ایران با این انقلاب «بیشتر کوچک آسیای بزرگ شده». این پیشتازی را ما در جنبش ملی کردن نفت برهبری دکتر محمد مصدق نیز دیدیم. آنرا در انقلاب بهمن، برهبری امام خمینی نیز با دامنه و ژرفا می‌بینیم. ولی انقلابی که از ۱۳۵۷ آغاز کنزردیم - همانطور که رهبر انقلاب نیز بارها گفته‌اند - هنوز در امامت، کسانی می‌گفتند که انقلاب ما دیگر تمام شده و حالا عصر سازندگی است. این کسانی، با طرز تفکر محافظه‌کارانه و افق دید خاص خود، هنوز هم همین اندیشه را تکرار می‌کنند. ولی اگر ما این نظر را بپذیریم، یعنی انقلاب خود را در مرحله ابتدائی متوقف نگاه داریم و به مرحله عالی‌تر، یعنی مرحله اجتماعی اوج ندهیم، باز در خم یک کوچه ماندنیم. توفع انقلاب، یعنی شکست انقلاب، در این صورت به تنها چیزی که دست‌یافتیم آست که، بجای قیامه پهلویا و نوکرائشان، قیامه‌های همانند دیگری را ببینیم.

لذا حق با امام خمینی است که گفت انقلاب هنوز در راه است. البته سازندگی انقلابی (یا ایجاد نهادهای دولتی و انقلابی) مدت‌هاست آغاز شده و اگر صمدت دوزخی صدام پلید بر ما وارد نشید و تشوره و اگر امریالیسم آمریکا امان میداد و بدهد، الان بسی گسترش می‌یافت، ولی سازندگی واقعی تنها زمانی شدنی است که در یافت

یکی از خصائص عصر تاریخی ما، چنانکه به‌نگام خود لیب پیش‌بینی می‌کرد، عصر انقلاب است. برای آنکه دنیای کهنه و نظامش عوض شود و دنیای نوینی جای آنرا بگیرد، یک دوران کامل تاریخی لازم است که در آن انواع انقلابها، به اشکال مختلفه، با سرنوشته‌های گوناگون، روی میدهد و فراز و نشیب شگرف خود را طی میکند، تا بتدریج نصیح یابد، شکوفه دهد، به‌رتبینده میوه‌اش بستم آید.

- این انقلابها ماهیتا از دو گونه عمده و اساسی خارج نیست:
- ۱- انقلابهای اجتماعی برای رهائی از بهره‌کنشی و بهره‌کشان.
 - ۲- انقلابهای آزادی‌بخشی ملی برای رهائی از وابستگی و استعمار.

این دو نوع انقلاب با هم پیوند دارد، یعنی وقتی انقلاب آزادی‌بخشی ملی روی داد، در عصر ماه فقط زمانی تثبیت و تمکیم میشود که از یک انقلاب صرفاً ملی (بخاطر استقلال ملی) به یک انقلاب اجتماعی (برای حذف بهره‌کنشی انسان از انسان و استقرار عدالت اجتماعی و دمکراسی خلتی) بدل کرده، زیرا در عصر ما، سرمایه‌داران، به‌مثابه طبقه، دیگر قادر نیستند حافظ استقلال باشند و اگر قشر وابسته‌ای از آنها ببرد و قشر دیگری از آنها سرکار بیاید، این قشر تازه نیز بتدریج طلی مدتی در دیکک عظیم و چوشتان بسیار سرمایه‌داری مستحل میشود و نمره انقلاب انجام یافته، به‌چیزی قریب به صفر بدل میگردد. آتش همان آتش و کاسه همان کاسه خواهد شد.

تاریخ معاصر کشور ما از جهت انقلابها و سرنوشته آنها بسیار غنی است. این مردم‌مغرور و زنده و ترس در این کشور هرگز خموشانه و بی‌برخاستی تن به اسارت سبط‌مجویان خارجی ندادند. تاریخ طولانی، فرهنگ والا، سنن غنی جنبشهای مردمی و همچنین نقش عساکر جنگی مبارز از روحانیت تشیع، تاریخ ما را از زخیزشها و پایداریها انباشته است. اگر چنین نبود، در کشور ما انقلاب عظیمی که از ۱۳۵۷ آغاز شده و کماکان ادامه دارد، روی نمیداد.

ایران ما، به‌شهادت حوادث از جنبش‌تیب‌کار

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در قزوین در مورد حوادث اخیر این شهر

می‌خواهیم که بایر خوری اصولی و انقلابی در حفظ آرامش شهر کوشا باشند و عاملین تشنج و درگیری را به مجازات قانونی برسانند.

در همین زمینه باید به اعلامیه‌ای که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قزوین منتشر شد و در آن بدسترنی توطئه‌های امریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی اشاره شده بود، نیز اشاره کرد. ولی متأسفانه در بخشی از این اعلامیه، نام حزب توده ایران و فعالیت خلق (اکثریت) در کنار گروهکهای چپ و چپ‌ها قرار گرفته بود. ما ضمن تکذیب قاطعانه شرکت اغضله و هواداران حزب توده ایران در این درگیری‌ها و جلب توجه مسئولین امر به حمایت قاطعانه و مساعدانه حزب توده ایران از انقلاب ضد امریالیستی و مردمی ایران اعلام می‌کنیم که حزب ما نه تنها در این درگیریها نقشی ندارد بلکه آنرا محکوم می‌کند و خواستار پیگیری و مجازات عاملین آن نیز هست. سرقران حزب توده ایران در

شدیدی در سطح شش بوجود آمد. در نتیجه پاسداران چندتن از هواداران مجاهدین خلق را دستگیر کردند، که متأسفانه در حین انتقال این افراد به مقر داسرای انقلاب اسلامی قزوین، یکی از آنها (هوادار مجاهدین) مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در بیمارستان فوت کرد. این مسئله تأسفیکار باعث گسترش ابهام درگیری‌ها شد و این درگیری‌ها تا عصر ادامه داشت، تا اینکه همان شب، کیوسک کتابفروشی پیش‌تازان حکومت اسلامی در خیابان خیام و کتابفروشی تشریفات حزب توده ایران به سرقت رفت. در ادامه این اعلامیه آمده است: «بوجود آمدن درگیری در قزوین و دیگر نقاط ایران همه گواہ بر اجرای توطئه‌های رنگارنگ امریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران است. در این لحظات حساس و سرنوشته‌ساز، ما از همه نیروهای انقلابی و وقادار به خلق می‌خواهیم که آرامش شهر را حفظ کنند و در دام توطئه‌های امریالیسم آمریکا نیفتند، ما از مقامات مسئول نیز

به دنبال درگیری‌های شهر قزوین در آغاز سال ۱۳۶۰ و تحریکات گروهک‌های مائوئیستی-امریکائی در این شهر، از طرف سازمان حزب توده ایران در قزوین اعلامیه‌ای منتشر شد در این اعلامیه آمده است: «بنیال تشدید تحریکات گروهکهای مائوئیستی-امریکائی که متأسفانه هواداران مجاهدین خلق هم - که جایشان در کنار خلق است - در آن شرکت داشتند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهر قزوین، صبح روز چهارشنبه ۵ فروردین ۶۰، اقدام به جمع‌آوری تشریفات این گروهکها کرد. بنیال این عمل، هواداران مجاهدین خلق و گروهکهای چپ‌نما و چپ‌رو به مقاومت برخاستند و درگیری و تشنج

همان اکثریت مردم، عادلانه و دقیق اعمال گردد. به تمیق انقلاب و ایجاد آرامش میتوان قدرت عظیم انقلابی کشور را حفظ و تمکیم کرد و افزایش داد. با این قدرت عظیم انقلابی، دست متجاوز آمریکا را که از آستین صدام بیرون آمده، شکست و هرگونه توطئه دیگر آمریکا را عقیم کرد و انقلاب را زیرشمار همرنگ بر سطح یکباره، که صواره بایستی در سطح کشور با عدالت رسا طنین افکن باشد. به پیروزی قطعی و نهایی رسانند.

فروردین ۱۳۶۰

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

با تعمیق انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

کشور چندانکه و در آن دولت ایران آزاد سازد این نقشه جهانی نیز عقیم مانده...

فروختن جنگ پرادکنشی در این مناطق، بهانه برای دخالت مستقیم نظامی بستم آورد. در برابر این اوضاع ویرای عقیم کردن نقشه‌های آمریکاچه باید کرد؟ پاسخ این پرسش در دو کلمه خلاصه میشود: تمیق انقلاب و ایجاد آرامش و، بر این مبانی، از یکسو ختنی کردن فعالیت مغرب نمایندگان سرمایه‌داری لیبرال (و همه نیروهای چپه برانقلابی) که اینک بصورت متحد سرمایه‌داری لیبرال وارد میدان شده‌اند) و از سوی دیگر، بسج تمام نیروهای ملی‌والتانی قابل بسج برای درهم شکستن تهاجم نظامی صدام.

تمیق انقلاب بمعنای رسته اقداماتی است که باید هرچه سریعتر و هرچه قاطع‌تر بود توده‌های میلبونی زحمتکشان و مستقیمین در سطح کشور انجام گیرد، از جمله و بویژه اصلاحات ارضی (بخصوص بندهای «ج» و «ب» اصلاحات ارضی) که توده‌های میلبونی زحمتکشان روستایی را قاطع‌تر، استوارتر و مصمم‌تر در جنبه دفاع از انقلاب قرار میدهد؛ و نیز مبارز کردن و عقباراندن گران، از طریق اجرای ملی-کردن بازار کانی خارجی و دولتی-کردن عمده فروشی داخلی و ایجاد شبکه دولتی و همانوسی توزیع عادلانه کالا با قیمتهای تعیین شده و کنترل شده از سوی دولت، که باعث میشود توده‌های میلبونی زحمتکشان در شهر و روستا احساس کنند که

از طرف دیگر، آمریکا بوسیله صدام جنگ تهاجمی را علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه میدهد. آتش جنگ پرادکنشی در کردستان را افروخته نگاه میدارد در کار ایجاد آتش-افروزیهای دیگری در بلوچستان، کردستان و در دیگر نواحی است، تا بدین وسیله جمهوری اسلامی ایران را از پای درآورد یا یا

مناسبت برگزاری
کنگره دوازدهم
حزب کمونیست
بلغارستان

بلغارستان سوسیالیستی با گامهای استوار به پیش میرود

امروزه صنایع بلغارستان در ۵۰ روز یاددازه تمام سال ۱۳۱۸ تولید می کنند.

بلغارستان در زمینه فرهنگ با پیشرفته ترین کشورهای جهان برابری میکند.

راهی که جمهوری خلق بلغارستان بیش از ۲۶ سال پیش برگزیده می تواند برای بسیاری از کشورهای عقب افتاده نمونه باشد.

تاریخ بلغارستان سوسیالیستی با پیروزی ۱۸ شهریور ۱۳۲۳ (نهمین تیرماه ۱۹۴۴) آغاز میشود. رستاخیز توده های ۱۸ شهریور چرخش تاریخ سازی است در یک کار دیرینه خلقی که برای آزادی زمین خود از هیچگونه چنانبازی در دست نوردید. در قیام برای آزادی بلغارستان، بیش از ۶۰ هزار مین دوست جان باختند و نزدیک به ۲۰۰ هزار تن به زندان و تبعیدگاه تن دادند. «مرز» پیروزی ۱۸ شهریور را باید در ازجان-گشتگر، پایداری و دلاوری زحمتکشان بلغارستان، اتحاد همه نیروهای ملی و مترقی در «جبهه واحد خلق» به رهبری حزب کمونیست بلغارستان و کمک های ایثارگران ارتش فاشیسم شکن شوروی جستجو کرد.

پیروزی ۱۸ شهریور - تحولی شگرف در تاریخ بلغارستان

پیروزی ۱۸ شهریور تحولی شگرف را در تاریخ بلغارستان آغاز نهاد طبقه

میکردند، این سهم اکنون به بیش از ۵۸ درصد رسیده است.

پس از آزادی، مسیای کشاورزی بلغارستان نیز یکسلی تغییر یافت. کشاورزی عقب مانده، پراکنده و کم بار پیشین اکنون جای خود را به کشاورزی مدرن، متمرکز و پر بار داده است. اینکه در بلغارستان بیش از ۳۰۰ مجتمع کشاورزی - صنعتی وجود دارد، که به مدرن ترین ماشینها مجهز است. بلغارستان، که تا سی سال پیش بزحمت نیازهای کشاورزی خود را تامین میکرد، امروزه یکی از بزرگترین صادر کنندگان فرآورده های کشاورزی به چهار گوشه جهان است.

گامهای بزرگتر راه بهبود زندگی زحمتکشان

در سالهای پس از پیروزی بر فاشیسم و سرمایه داری، در بلغارستان گامهای بزرگی در راه بهبود زندگی زحمتکشان برداشته شد. در جمهوری خلق بلغارستان، مانند دیگر کشورهای سوسیالیستی، بهداشت و آموزش رایگان و همگانی است. در کشور بلغارستان شبکه های مترکم از شیرخوار گاهها، مهد های کودک، کودکستانها، دبستانها، دبیرستانها و دانشگاهها، استراحتگاهها و ویلارستانها پدید آمده است.

در سالهای اخیر، درآمد دولتین به سطح درآمد شهرتینان رسیده است. روستاها از هر جهت به شهرها نزدیک شده اند.

بلغارستان در گستره فرهنگ نیز گامهای بزرگ به پیش برداشته است. سوسیالیسم فرهنگ را بمعنای واقعی کلمه توده ای کرد و چون نان بهره خانه ای راه داد. امروز در بلغارستان، که هنوز جمعیت آن کمتر از ۹ میلیون نفر است، سالیانه بیش از ۵۰ میلیون جلد کتاب چاپ میشود. جمهوری خلق بلغارستان از این نظر و در گستره آموزش و پرورش، با پیشرفته ترین کشورهای جهان برابری میکند.

سیاست خارجی جمهوری خلق بلغارستان

انقلاب سوسیالیستی بلغارستان در زمینه سیاست خارجی این کشور نیز دگرگونی های بنیادی پدید آورده. سیاست خارجی بلغارستان بر پایه انترناسیونالیسم و همکاری با نظام های مختلف اجتماعی، بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز، استوار است. این سیاست در صحنه جهانی برای کشور سوسیالیستی بلغارستان اعتبار و وجهه ای گسترده فراهم آورده است.

بلغارستان هم اکنون یکی از صادر کنندگان همه انواع کالاهای صنعتی و کشاورزی به بسیاری از کشورهای اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. تنها در ۲۵ سال اخیر، مبادلات کالا میان بلغارستان و کشورهای سرمایه داری بیش از ۳۰ برابر شده است.

بلغارستان عضو فعال شورای همکاری اقتصادی و پیمان دفاعی فورشو است. این کشور در عرصه بین المللی حداکثر کوشش خود را برای دفاع از صلح، تشدیدایی و خلع سلاح عوسمی یکار میرود.

راهی که جمهوری خلق بلغارستان بیش از ۳۶ سال پیش برگزیده می تواند برای بسیاری از کشورهای عقب افتاده نمونه باشد.

قطع بی رویه درختان جنگلی در آستارا

عدم های از افراد سوچو در آستارا، مبادرت به قطع درختان جنگلی این ناحیه کرده اند. این عده با فروش درختان از طرفی چینی های خود را برمی کنند و از طرف دیگر پلست فتریب منابع طبیعی کشور می شوند.

ما توجه مسئولین امر ونهاد های انقلابی را به این مسئله جلب می کنیم.

آب آشامیدنی آستارا غیر بهداشتی است

آب آشامیدنی آستارا غیر بهداشتی، بیبو و بویاده شده است. آب این منطقه به علت درجه سختی بالایی که دارد همسال عدم های را به سنگ کلیه دچار می کند. اهالی آستارا منتظرند که مسئولین امر هر چه سریعتر به وضع آب آشامیدنی این منطقه رسیدگی کنند.

توضیح

در شماره ۴۷۳ «نقشه مرسوم» در مقاله «آمریکا - کشور چایت، دزدی و هتک ناموس» تاریخ قتل متولینی که عکس آنها چاپ شده است، ۱۲-۲۳ اسفند ۱۳۵۹ است.

پشتیبانی نمایندگان قبایل پشتو از دولت افغانستان

بیرک کارمل رهبر جمهوری دمکراتیک افغانستان، در دیدار با نمایندگان قبایل پشتو گفت دولت افغانستان به مذهب مقدس اسلام و رسوم و شمایل ملت های ساکن جمهوری دمکراتیک افغانستان، احترام عمیق میکند. بیرک کارمل افزود امریالیسم آمریکا و ارتجاع این منطقه سعی دارند با سوءاستفاده از دین اسلام، خلقهای افغانستان را بیجان یکدیگر بیندازند و بدین طریق از متحد شدن زحمتکشان این کشور برای ایجاد یک جامعه مترقی جلوگیری کنند. نمایندگان قبایل پشتو که در خاور افغانستان ساکن هستند، پشتیبانی خود را از سیاست دولت اعلام کردند و به بیرک کارمل اطمینان دادند که به ضد انقلابیون اجازه نخواهند داد که از مناطق مسکونت این قبایل بتوان تکیه گاه برای عملیات خود استفاده کنند.

انتخابات کامپوجیا

پیروزی بزرگ انقلاب و دولت انقلابی

شانون عضو کمیته مرکزی جبهه واحد نجات ملی کامپوجیا در مصاحبه ای با خبرگزاری تاس گفت: نتایج انتخابات اخیر ارکانهای محلی حکومت خلق در کامپوجیا نمودار بارزی از عزت پر اسخ مردم کشور برای دفاع از دستاوردهای انقلاب است. اکثریت شکننده رای دهندگان در این انتخابات شرکت کردند و به نمایندگان واقعی مردم رای دادند.

موقیبت انتخابات کامپوجیا نتیجه فعالیت همجانبه مقامات انقلابی است که هدفش بر طرف ساختن عوارض حکومت رژیم جنایتکار و یوسیده هوادار یکن است که با تیرد مردم سرنگون شدند. شانون افزود: که اکنون همه شرایط لازم برای پیشرفت سریع اقتصاد ملی و شرکت فعالانه مردم در رهه شئون اجتماعی جمهوری فراهم میشود. خطل کمبود خوراک را یکسری بر طرف شده و امنیت و نظم اجتماعی در کشور تامین شده است.

میکوشند باز در نرسب فروردیم بین المللی به جنبش های رها می بخش خلقها، مانع پیروزی این جنبش ها گردننده عمل می کنند. هر دو حزب پشتیبانی خود را از مبارزه مردم فلسطین و حقوق آنها برای ایجاد یک دولت مستقل مورد تأیید قرار دادند.

آمریکا در صدد ایجاد پایگاه نظامی در پاکستان است

دولت آمریکا اعلام کرده است که قصد دارد بر میزان کمک نظامی و اقتصادی خود به پاکستان بیفزاید. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داد که میان دو کشور مذاکراتی به منظور عقد قراردادهای دراز مدت نظامی انجام می گیرد. کاخ سفید در حال حاضر میکوشد کنگره را به تجدیدنظر در قوانینی وادار سازد که بموجب آنها کمک نظامی به پاکستان بملت تلاش این کشور در تولید سلاح هسته ای منع شده است. دولت ریگان اعلام کرده بود که حاضر است ۵۰۰ میلیون دلار مسورت کمک در اختیار پاکستان قرار دهد. آمریکا میکوشد در قبال این کمک، یک پایگاه نیروی دریایی در خاک این کشور، ایجاد کند.

اتحاد شوروی پشتیبان خلق نامی بیا در مبارزه برای استقلال و آزادی

سام نوجوما، رئیس سازمان خلق جنوب غربی آفریقا، اظهار اطمینان کرد که مین برینستان نامی بیا بر رژیم تراندرست آفریقای جنوبی، سرانجام پیروز خواهند شد. این مطلب را سام نوجوما در مصاحبه ای که به مناسبت هفته بین المللی همبستگی با ملت های آزادی طلب در برابر تمیض نژادی و آپارتاید با وی انجام شده در مجله زندگی بین المللی چاپ مسکو، منعکس شده است. اعلام داشت. سام نوجوما در این مصاحبه برای پشتیبانی اتحاد شوروی از مبارزه خلق نامی بیا در راه استقلال از وی و اهمیت والا قائل شده

اعتراض ملت پاکستان به قانون اساسی ضیاء الحق

مادرسان دادگاه عالی پاکستان، در کنار سایر اقتدار ملت پاکستان، به اقدامات ضد خلقی رژیم ضیاء الحق اعتراض کردند. این دادرسان با اعلام مخالفت با قانون اساسی جدید پاکستان، از ادای سوگند خودداری کردند. قانون اساسی جدید ضیاء الحق زمینه را برای تقویت ارتکاز رژیم نظامی وی و امکان سرکوبی هر گونه مخالفت و محدود کردن حقوق دادگاههای غیر نظامی این کشور آماده می کند. ضیاء الحق کشور را در سال ۱۹۷۲ قدرت را در پاکستان بدست گرفت و از آن سال تاکنون روز بروز حقوق بیشتری از ملت پاکستان را پایمال کرده است.

جنایت تازه

نژادپرستان آمریکایی

نژادپرستان آمریکایی در شهر موبیل واقع در ایالت آلاباما یک دانشجوی ۱۹ ساله سیاه پوست را دلین کردند. مقامات آمریکایی کوشیدند این جنایت بیخبر را در پنهان نگاه دارند، لیکن بیخبر به همت مبارزان سیاه پوست آمریکا و از جمله خانم شانرن میشل، یکی از فعالان جنبش برابری حقوق سیاه پوستان، این اقدام ضد انسانی آمریکایی های نژادپرست افشا گردید.



نقشه مرسوم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارتالته اعتباری
و مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

**NAMEH
MARBOM**
No. 474
29 March 1981

Prices:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران